

بررسی عملکرد حزب مردم

رحیم روحبخش

«اخیراً به ایجاد یکی از مظاهر دیگر
دموکراتیک پرداخته‌ام که تقریباً در کشور
ما تازگی دارد و آن مسئله تشکیل احزاب
سیاسی است»

محمدرضا پهلوی

تشکیل احزاب سیاسی در ایران تاریخچه طولانی ندارد؛ مثل سایر ارکان دموکراسی از غرب وارد شده است. احزاب سیاسی علیرغم چالشهایی که با نظام سنتی ایران داشتند، توانستند در برخی از مقاطع تاریخ معاصر تا حدودی، جایگاه خود را بیابند.

شاید بتوان سه مقطع تاریخی مشروطه، فرار رضاشاه و وقوع انقلاب اسلامی را بعنوان سه رخداد مؤثر در تشکیل احزاب سیاسی ایران قلمداد کرد. البته در برخی مقاطع تاریخی دیگر نظیر دور نخست وزیری علی امینی (۱۳۴۱ - ۱۳۴۰) زمینه‌های مساعدی برای شکل‌گیری احزاب بوجود آمد. ولی از نظر جامعیت و تأثیرگذاری، سه مقطع فوق‌الذکر از اهمیت خاصی برخوردارند.

اما در فواصل سه رخداد مذکور، وضعیت به گونه‌ای بود که دولت و وقت یا مانع تشکیل احزاب می‌شد و یا خود به تشکیل آن اقدام می‌کرد. بدیهی است که اینگونه احزاب که از بالا (حکومت) تشکیل می‌شدند با احزابی که از پایین (جامعه) برمی‌خاستند تفاوت ماهوی داشتند، این تفاوتها را می‌توان در شکل‌گیری، ساختار،

اهداف و ... د انواع احزاب برشمرد.

این مقاله تلاش دارد که به معرفی حزب مردم که یکی از احزاب نوع اول است بپردازد، این حزب به دستور محمدرضا شاه در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۶ تأسیس شد. لازم به ذکر است که این حزب را نباید با احزابی نظیر «حزب مردم» دوره چهاردهم مجلس شورای ملی که مؤسس آن (محمدصادق طباطبائی) به ریاست مجلس نیز انتخاب شد^۱ و «حزب مردم ایران»، یکی از احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی که مؤسس آن محمد نخشب بود، اشتباه نمود.

علی رغم فعالیت ۱۸ ساله (۱۳۵۳ - ۱۳۳۶) این حزب در نقش حزب اقلیت، در مقابل احزاب اکثریت ملیون (۱۳۳۹ - ۱۳۳۶) و ایران نوین (۱۳۵۳ - ۱۳۴۳) و برخورداری آن از فراکسیون پارلمانی در تمام دوره های مجلسین شورای ملی و سنا، اهمیت آن از دید پژوهشگران تاریخ معاصر به دور مانده، به طوریکه به جرأت می توان گفت در پژوهشهای تاریخ معاصر ایران جای این حزب خالی است، و اشارات مختصری هم که در پاره ای از منابع در این زمینه موجود است از جامعیت و دقت لازم برخوردار نمی باشد. این مسئله از یک سو بخاطر عدم دسترسی به اسناد و مدارک مربوط به این حزب می باشد و از سوی دیگر به خاطر ماهیت (دولتی بودن) آن و تا حدودی عدم تأثیر آن در تحولات سیاسی جامعه مربوط می شود.

لذا در این مقاله سعی داشته ایم که با استناد به اسناد موجود در سازمان اسناد انقلاب اسلامی و سایر منابع، نظیر خاطرات برخی شخصیت های سیاسی دوره پهلوی دوم، ضمن معرفی آن به تحلیلی از چگونگی شکل گیری، اهداف، فعالیتها و انحلال آن بپردازیم.

اندیشه های شکل گیری این حزب را می توان در روند رشد تحزب در دهه ۱۳۲۰ که به عنوان یک دوره مهم از فعالیت های سیاسی احزاب و گروه های متعدد (با مرامها و مسلک های مختلف) محسوب می شود، جستجو کرده رشد آگاهی سیاسی بخشی از مردم شهری این دوره را می توان در اقتدار جبهه ملی و حزب توده مشاهده کرده این رویکرد عمومی به فعالیت های سیاسی متقل نمی توانست بعد از موفقیت کودتای ۲۸ مرداد

۱. ناصر نجمی، بازیگران رضاشاهی محمدرضا شاهی (تهران: انتشارات انیشتن، ۱۳۷۳) ص ۲۵۸.

۱۳۳۲ از دید محمدرضا شاه پنهان بماند.

شاه به خوبی از پتانسیل نیروهای حزبی جامعه و پیامدهای آزاد شدن این انرژی در دهه ۱۳۲۰، بخصوص در به قدرت رساندن مصدق (که بحرانهای شدیدی را برای وی به دنبال داشت) آگاهی داشت، لذا بعد از کودتا ضمن کنترل شدید این نیروها، چاره کار را به انحراف کشاندن ماهیتی جریانات سیاسی مذکور می دید و به همین منظور با تشکیل احزاب دولتی، بخشی از عناصر سرخورده جریانات سیاسی سابق را در راستای منافع خود جذب کرد. این بود که یک سال بعد از کودتا، ضمن تداوم مقابله با اعضای جبهه ملی، با دستگیری اعضای افسران حزب توده به اهمیت و عمق خطر پی برد، وی از این زمان به منظور پر کردن خلاء فکری جامعه به چاره جویی پرداخت و «در سفرهای خود به چند کشور خارجی در سال ۱۳۳۵، یعنی آمریکا و [بعضی کشورهای] اروپا و هند و ترکیه، شخصاً به مطالعه درباره نهادها پارلمانی این کشورها پرداخت^۱». در همین راستا و به تقلید از نظامهای دو حزبی اکثریت و اقلیت در انگلستان و آمریکا بود که، شاه دو حزب مردم (اقلیت) و ملیون (اکثریت) را تشکیل داد. معموله در عرف سیاسی هم این امر مشاهده شده که برای مقابله با هر پدیده ای می توان با ایجاد بدل آن با ماهیتی متفاوت عمل کرد. این اصل بخصوص در مورد تشکیل احزاب وابسته، در تاریخ معاصر کشور ما، چند مورد مصداق دارد. به طوری که شاید بتوان، تشکیل برخی از احزاب راست و دولتی دوره پهلوی را به منظور مقابله با احزاب چپ، تلقی نمود. احزاب مثل «حزب دموکرات ایران» قوام السلطنه و «حزب اراده ملی» سیدضیاءالدین طباطبائی از این دسته اند. این احزاب برای انجام مأموریتی خاص در دوره ای خاص پدید آمدند و بعد از ایفای نقش لازم از صحنه فعالیت سیاسی کنار رفتند. اما در سال ۱۳۳۶، با تشکیل احزاب دولتی از سوی رژیم آغاز یک رویکرد جدید و جدی با توجه به تشکیل ساواک در همان سال، می توان به عمق ناتوانی رژیم برای مقابله با خطراتی که آنرا تهدید می کرد می برد. می توان چنین استنباط کرد که رژیم به کارگیری تدابیر امنیتی شدید، که در زمان رضاشاه نیز آزمایش شده بود عملاً ناتوانی خود را در کنترل جریانهای سیاسی جامعه، احساس می کرد، این بود که علاوه بر تشدید

۱. پیر آوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی (تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۶۸) ج ۳، ص ۷۲.

تدابیر امنیتی، اتخاذ یک راهکار سیاسی جدید را برای مقابله با وضع موجود، لازم می‌دید. این راهکار تشکیل احزاب سیاسی دولتی بود. محمدرضا شاه در یکی از ملاقاتهای دکتر نصرالله کاسمی (دبیر کل حزب اکثریت ملیون) در آستانه تشکیل حزب مذکور با وی، چنین می‌گوید: «سالها فکر می‌کردم که به چه دلیل نظام مملکت در شهریور سال ۱۳۲۰ طی ۴۸ ساعت طوری متلاشی شد که سربازها با لباس کهنه و پای برهنه ... در کوچه و بازار تقاضای کمک می‌کردند ... بعد دریافتم که در داخل مملکت تشکیلات و سازمانی وجود نداشت که پایه و اساس محکمی متکی به افکار مردم داشته باشد که بتواند در روزهای سخت تشکیلات موجود را نگه دارد و نگذارد متلاشی شود. از این رو به فکر افتادم که باید در مملکت تشکیلات حزبی ایجاد شود تا منظور عملی شود. قبلاً حزبی تشکیل شده (حزب مردم) که حزب اقلیت است، حالا باید حزب اکثریت تشکیل شود و این کار به عهده شماست»^۱.

به طور کلی در این رویکرد جدید، تلاش رژیم این بود که بتواند علاوه بر سازماندهی گروههای وابسته در قالب تشکلهای حزبی، به احراز وجه دموکراتیک، جلب مشارکت مردمی و کسب مشروعیت نایل آید. وی در سخنرانی خود در اردیبهشت ۱۳۳۶ خطاب به سناتورهای می‌گوید: «مفهوم دموکراسی، آزادی مردم در اظهار عقیده و تشکیل احزاب است و حالا که احزاب را تشکیل داده ایم، دموکراسی داریم». جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران^۲ و در جای دیگر می‌گوید: «در اجتماع ما که براساس رژیم پارلمانی و دموکراتیک اداره می‌شود ... [اساس کار بر محور] سیستم دو حزبی، حزب موافق دولت و حزب مخالف دولت [قرار دارد]»^۳.

در واقع منظور شاه از احزاب مذکور، دو حزب ملیون و مردم بود. لازم به ذکر است که حزب ملیون که به منظور ایفای نقش اکثریت در دیماه ۱۳۳۶ به دستور شاه و رهبری منوچهر اقبال (نخست وزیر وقت ۱۳۳۹ - ۱۳۳۶) و به دبیر کلی نصرالله کاسمی تشکیل شد، در طول سه سال فعالیت، دولت و اکثریت مجلس شورای ملی، عمر دولت اقبال به همراه حزب وی سرآمد و حزب «ایران نوین» (۱۳۵۳ - ۱۳۴۳) به جای

۱. محمود تربتی سنجابی، قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران (تهران: انتشارات آسیا، ۱۳۷۵) ص ۲۹۵.

۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱) ج ۱، صص ۵۸۷-۵۸۶.

۳. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۵، ص ۲۱.

آن به ایفای نقش حزب اکثریت پرداخت.

حزب مردم در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۶ بدستور شاه و به دبیرکلی امیراسدالله علم تشکیل شد و از تیرماه همین سال شروع به عضوگیری نمود، در منابع این حزب، با عناوین حزب «دستوری»، «فرمایشی»، «شه ساخته»، «دولتی»، «برنامه ای» و «حزب کارگزاران معتمد» بکار رفته است.

تشکیل این حزب بعد از مدتها رایزنی کارگزاران حکومت صورت گرفت (سند شماره ۱). این حزب در طول ۱۸ سال فعالیت با فراز و نشیبهای زیادی مواجه شد. بطور کلی می توان روند فعالیتهای آن حزب را به سه مرحله تقسیم نمود.

۱- دوره تثبیت: این دوره به دبیرکلی امیراسدالله علم از اردیبهشت ۱۳۳۶ تا شهریور ۱۳۳۹ طول کشید.

۲- دوره تزلزل: این دوره به دبیرکلی پرفسور یحیی عدل، از شهریور ۱۳۳۹ تا اردیبهشت ۱۳۵۰ را شامل می شود.

۳- دوره تضعیف و انحلال: این دوره از اردیبهشت ۱۳۵۰ لغایت اواخر سال ۱۳۵۳ را دربرمی گرفت که به ترتیب با دبیرکلی علینقی کنی (۱۳۵۱/۵/۳) - ناصر عامری (۱۳۵۰/۲/۲۸)، پرفسور یحیی عدل (دوره دوم ۱۳۵۲/۴/۵ - ۱۳۵۱/۵/۴)، ناصر عامری (۱۳۵۲/۱۰/۸ - ۱۳۵۲/۴/۶) و محمد فضایی (۱۳۵۳/۱۲/۹) - ۱۳۵۳/۱۰/۲۲) تداوم یافت و در نهایت با اعلام رسمی تشکیل حزب واحد رستاخیز ملت ایران در فروردین ۱۳۵۴، این حزب به همراه سایر احزاب رسمی وقت، از طرف حکومت منحل اعلام گشت.

به منظور تبیین سیر تاریخی فعالیتهای حزب مردم، اهمّ فعالیتهای مربوط به هر دوره را بطور مختصر تشریح می نمایم.

۱- دوره تثبیت: دوره چهارساله (۱۳۳۹ - ۱۳۳۶) فعالیت حزب که با دبیرکلی امیراسدالله علم تشکیل و سازماندهی یافت بعنوان درخشان ترین دوره فعالیت حزب مردم محسوب می شود.

امیراسدالله علم از ملاکان جنوب خراسان و فرزند محمدابراهیم علم معروف به شوکت الملک امیر کائنات که از دیرباز با ایجاد امنیت در منطقه سیستان و بلوچستان روابط نزدیکی با رضاشاه و انگلیسیها بدست آورده بود در مدرسه عالی فلاحت کرج،

تحصیلات خود را به پایان رساند و در بیرجند سرپرستی املاک پدرش را به عهده گرفت. وی در کابینه قوام (۱۳۲۶ - ۱۳۲۴) بعنوان فرماندار کل سیستان و بلوچستان انتخاب شد و بعدها در سال ۱۳۲۸ به سفارش محمدرضا شاه به عنوان وزیر کشاورزی در کابینه ساعد (۱۳۲۹ - ۱۳۲۷) انتخاب شد. و از این دوره در اکثر کابینه های بعدی با سمت وزیر فعالیت می کرد. در سال ۱۳۳۱ بعنوان سرپرست املاک و مستغلات پهلوی منصوب شد و در دوره نخست وزیری مصدق (۱۳۳۲ - ۱۳۳۰) همانند برخی از درباریان، از دربار رانده شد و بر سر املاک خود به بیرجند مراجعت نمود. دنبال موفقیت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجدداً از جانب شاه به سمت قبلی خود یعنی سرپرستی املاک و مستغلات پهلوی منصوب گردید تا اینکه در کابینه حسین علا (۱۳۳۶/۱/۱۵ - ۱۳۳۴/۱/۱۷) به توصیه شاه بعنوان وزیر کشور انتخاب شد. در این زمان علم بعنوان یکی از محرمترین کسان به شاه و از متنفذترین افراد در کشور محسوب می شد، لذا شاه وی را مأمور تشکیل حزب مردم نمود.^۱ علم از همان آغاز برای جذب اشخاص متنفذ جهت عضویت در حزب و حتی ائتلاف با احزاب مهمی چون حزب زحمتکشان مظفر بقایی تلاشهای زیادی بعمل آورد. (سند شماره ۲) نفوذ اجتماعی علم از یک سو بخاطر وابستگی خاندانش به سلطنت بود و از سوی دیگر با تشکیل جلسات بزم گونه ای در منزلش توانست با جذب عده ای از شخصیتهای سیاسی، ادبی و اجتماعی نظیر پرویز نایل خانلری، علیتقی کنی، مهندس مهدی شیانی و جهانگیر تفضلی و حتی اشخاصی با گرایشهای چپ نظیر محمد معتضد باهری و رسول پرویزی و دیگران در تأسیس حزب بهره بگیرد.^۲ البته علاوه بر اشخاص فوق الذکر، می توان از مصطفی صاحبدیوانی، دکتر احمد فرهاد، پرفسور یحیی عدل، جمشید اعلم، محسن مظاهر، علی معارفی، دکتر حسن افشار، محمد الهی، دکتر امیر بیرجندی، دکتر علی اکبر بینا، دکتر حسن ستوده تهرانی، مهندس قباد ظفر و دکتر موسی عمید بعنوان اعضای مؤسسين حزب مردم نام برد.

یکی از نخستین اقدامات علم و گروه همفکرانش تدوین اولین اساسنامه و مرامنامه

۱. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی (تهران: نشر علم، ۱۳۷۴) ص ۴۵۲ - ۴۴۲.

۲. علی بهزادی، شبه خاطرات (تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۵). ص ۱۴۷، ۱۴۵.

حزب مردم بر محور این دو استوار بود. اساسنامهٔ حزب که چندین بار در معرض اصلاح قرار گرفت در زمینه‌های چگونگی عضویت افراد (سند شماره ۱) و معرفی سازمانهای وابسته به حزب بود به طور کلی مسایل داخلی حزب را تبیین می‌کرد. مرامنامهٔ حزب نیز در خصوص تشریح اصول عقاید سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حزب بود. (اسناد شماره ۱۱: متن اساسنامه و شماره ۱۲: متن مرامنامه). «علم هدف حزب را از لحاظ رژیم سیاسی؛ حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جغرافیایی سیاسی کشور، حفظ کلیه آزادیهای که قانون اساسی و منشور سازمان ملل متحد و اعلامیهٔ حقوق بشر به همهٔ افراد داده، و از لحاظ سیاست خارجی حفظ و ایجاد رابطهٔ حسنه و حسن تفاهم کامل با کلیه کشورهای که به استقلال و تمامیت ارضی کشور ما احترام می‌گذارند، اعلام داشت، و از لحاظ رژیم اقتصادی، اصلاحات در امور کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و اداری، اجتماعی و فرهنگی اعلام کرد»^۱.

یکی دیگر از اقدامات علم، برگزاری اولین کنگرهٔ حزب مردم بود که بر طبق اساسنامهٔ حزب می‌بایست هر دو سال یکبار تشکیل شود. اولین کنگره به مدت سه روز از بیست و ششم تا بیست و نهم دیماه ۱۳۳۸ در تهران برگزار شد. البته به غیر از این کنگره، کنگره دوم در بیستم اسفند ۱۳۴۰، کنگره سوم در چهارم اسفند ۱۳۴۳ و کنگره چهارم در اسفندماه ۱۳۵۳ تشکیل گردید. به طور کلی نکات اصلی و مشترک قطعنامه‌های کنگره‌های مذکور، تأکید بر حکومت مشروطهٔ سلطنتی، اجرای اصول قانون اساسی، تأکید بر لزوم بهبود زندگی عمومی مردم، اصلاحات ارضی، توسعهٔ صنعتی کشور، رد مداخلهٔ بیگانگان در امور داخلی کشور، رسیدگی به وضعیت کارگران، تأکید بر اجرای قانون شاه و ملت (نقلاب سفید، از کنگره دوم به بعد) و ... بود. البته برنامه‌های آیندهٔ حزب، خط مشی، انتخاب اعضای شورای مرکزی و گاهی نیز انتخاب دبیرکل در این کنگره‌ها صورت می‌گرفت.

و اما از مهمترین اقدامات حزب مردم در دورهٔ علم، تلاش برای جذب ناراضیان جامعه در چارچوب حزب رسمی علیه حزب حاکم دولتی اکثریت به منظور کنترل و هدایت این گروه از افراد جامعه و یا ایجاد تعدیل در فعالیتهای افراطی آنها بود، در همین

۱. محمدعلی سفری، قلم و سیاست (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۳) ج ۲، ص ۲۷۱.

راستا جذب بخشی از اعضای سابق حزب منحلۀ توده در حزب مردم قابل تأمل است. از همزمانی تصمیم رژیم به آزادی برخی از زندانیان عضو حزب توده که در سالهای قبل به اتهام براندازی رژیم دستگیر شده بودند، با تشکیل حزب مردم و به دنبال آن دعوت مسئولین حزب از عناصر مذکور جهت عضویت در حزب، می توان چنین استنباط کرد که این برنامه ها، به مثابه سناریویی از پیش نوشته شده بود که رژیم با موفقیت در اجرای آنها از یک طرف با اغماض از عملگرد گذشته مخالفان سیاسی خود بر آنها منت می گذاشت، و از طرف دیگر با قبول عضویت آنها در حزب مردم و اجازه انجام فعالیتهای سیاسی و حزبی ضمن استفاده از تجارب سازماندهی و حزبی آنها، از دشمنان بالقوه خود، دوستان بالفعل می ساخت. توفیق رژیم از این جهت قابل تأمل است که برخی از همین اعضای آزاد شده حزب توده از زندان، برای اعلام وفاداری خود به نظام، تقاضای عضویت در حزب مردم را نمودند. علم (دبیر کل حزب مردم) ضمن استقبال از این درخواست در سخنرانی خود در جریان میتینگ حزب مردم در شیراز گفت «جوانهای روشنگر و تحصیل کرده ما اگر در گذشته ندانسته با پذیرفتن مرام حزب توده و عضویت در آن حزب مرتکب اشتباهاتی شده اند اینک می توانند به جبران مافات با پذیرفتن عضویت حزب مردم برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، خود را آماده سازند»^۱ بدنبال ایجاد این شرایط مناسب، برخی از فعالان و اعضای عادی حزب توده به عضویت حزب مردم درآمدند (سند شماره ۴) و تجارب خود را در سازماندهی و تشکل حزبی در اختیار حزب مردم قرار دادند (سند شماره ۵) و همین عناصر در مدت کوتاهی به دستیابی به مناصب مهم حزبی جناح چپ (اقلیت) حزب مردم را به رهبری محمد معتمد باهری تشکیل دادند (سند شماره ۶) این جناح در طول سالهای اولیه فعالیت حزب مردم، علی رغم اتهام وارده از سوی جناح راست (اکثریت) مبنی بر سوابق خیانتکارانه عناصر آن جناح به شاه، و وطن، با حمایت مستقیم علم توانست گامهای مفیدی در راستای احقاق حقوق انبوه کارگران بردارد.

بسیاری از این کارگران و گروههای کارگری که از سالهای قبل با عضویت در حزب توده (که در سال ۱۳۲۵ از وفاداری ۳۰۰/۰۰۰ کارگر برخوردار بود) و یا سایر

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پروند ۱۴۰ ص ۳۶.

تشکلهای چپ کارگری نظیر شورای متحده به دبیر کلی رضا روستا (که در همین سال دارای ۴۰۰۰/۰۰۰ عضو کارگر متشکل از اتحادیه و صنوف مختلف کارگری بود) توانستند از آگاهیهای سیاسی بالایی در مقایسه با سایر طبقات جامعه برخوردار باشند^۳ (برای کسب آگاهی بیشتر می توان به بحث «حزب توده و جنبش اتحادیه های کارگران» از کتاب جنبش کمونیستی در ایران سپهر ذبیح مراجعه کرد).

هرچند در تحولات سیاسی جامعه در سالهای بعدی این گروهها و تشکلهای کارگری با محدودیتها و ممنوعیت فعالیت مواجه شدند ولی برخی از آنها در قالب سازمانهای پوششی نظیر «جمعیت طرفداران صلح» و مراکز مشابه به دیگر به فعالیت خود ادامه دادند.

تشکل و سازماندهی سریع بسیاری از کارگران کارخانجات و مراکز تولیدی جهت فعالیت، تحت پوشش و نظارت حزب مردم، نشانگر تداوم فعالیت غیررسمی آنها در سالهای قبل بود، به تعبیر دیگر بسیاری از این گروهها و صنوف کارگری از مدتها قبل بدنبال مفری برای فعالیت رسمی بودند تا در پوشش قانونی در روند فعالیتهای خود نظم و سازماندهی بعمل آورند. نکته قابل تأمل اینکه تشکلهای کارگری مذکور در این دوره، از اصرار بر گرایشات ایدئولوژی سوسیالیستی کاسته و معمولاً بدنبال کسب منافع صنفی گروه خود بودند تا از این طریق هم بهانه ای به دولت و بخصوص مقامات حزب مردم ندهند و هم آزادی فعالیت رسمی خود را جهت احقاق حقوق صنفی خود حفظ کنند، به هر حال جذب کارگران و تشکلات صنفی و کارگری در حزب مردم به حدی افزایش یافت که بدنبال الحاق رسمی «شورای همکاریهای سندیکای کارگری» به حزب، سخن از تغییر نام حزب مردم به «حزب کارگر» به میان آمد.^۱ البته از این نکته نباید غفلت کرد که عامل رویکرد بسیاری از سندیکاهاى کارگری به حزب مردم، فعالیتهای فراکسیون پارلمانی آن حزب در احقاق حقوق کارگران و بخصوص تصویب طرح قانون کار بود.^۲ به هر حال با توجه به اهمیت نقش سندیکای کارگری وابسته به حزب مردم، فهرستی از آنها ارائه می دهیم:

۱- سندیکای کارگران راه آهن

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۱، ص ۱۵۹.
 ۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۶، ص ۱۶.

- ۲- سندیکای کارگران کارخانه سیمان
- ۳- شرکت واحد اتوبوسرانی با ۸۰۰ عضو
- ۴- اتحادیه فروشندگان جراید
- ۵- سندیکای کارگران چاپخانه ها
- ۶- سندیکای رانندگان و کمک رانندگان
- ۷- کارگران میدان بارفروشا
- ۸- اتحادیه رسمی روزنامه فروشها
- ۹- اتحادیه رانندگان
- ۱۰- صنف فخار
- ۱۱- سندیکای کارگران کارخانجات پلاستیک سازی تهران و حومه
- ۱۲- سندیکای سیلو
- ۱۳- کارگران کوره پزخانه ها
- ۱۴- سندیکای گرمابه داران
- ۱۵- سندیکای صاحبان کمپرسی تهران و حومه
- ۱۶- صنف نانویان

از میان این تشکلهای، سندیکای کارگران کارخانه سیمان از لحاظ کثرت عضو و توده ای بودن قریب به اتفاق اعضای آن از اهمیت خاصی برخوردار بود.^۱ بطوریکه روزانه ۱۰۰ نسخه روزنامه اندیشه مردم (ارگان حزب مردم) در این کارخانه توزیع می شد. البته این نکته نیز قابل تذکر است که برخی تشکلات کارگری نظیر «کارگران کارخانجات تهران» که دارای قریب ۱۰۰۰ نفر عضو بود علی رغم اعلام پیروی از حزب مردم در امور سیاسی، بخاطر برخی مصالح از عضویت در حزب مردم خودداری می نمودند.^۲

این تشکلهای کارگری عضو در چارچوب ضوابط حزب مردم توانستند به فعالیتهای خود ادامه دهند و حتی مسئولین حزبی بخاطر کثرت گروههای کارگری عضو حزب مردم، «سازمان کارگران حزب مردم» را تأسیس نمودند، در واقع عمده مسایل و

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۶، ص ۸۸.

۲. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۳۵، ص ۳۴.

مشکلات مطروحه از سوی تشکلات کارگری مذکور در زمینه های اخراج کارگران، حقوق و مزایا، ساعت کاری، بیمه کارگران و غیره بود. در همین راستا جلسات تشکیلات کارگری حزب مردم با مسئولیت محمد معتضد باهری و با شرکت دبیران سندیکاهاى کارگری حزب در محل «خانه کارگر» جهت حل و فصل مشکلات کارگران تشکیل می شد.^۱

برای مثال به دومورد دیگر از مشکلات دوتشکل کارگری اشاره می کنیم: صنف نانویان به ریاست ارباب جلیل خانلو با عضویت بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران نانویها، ضمن پیوستن به حزب مردم، از دست اندرکاران حزب درخصوص جلوگیری از تأسیس کارخانه نان پزی از طرف دولت در تهران، استمداد طلبید، زیرا اعضای این صنف معتقد بودند که با عملی شدن تصمیم دولت «نانواها به روز سیاه خواهند نشست».

در مورد دوم وقتی که مسئولین حزب مردم به حمایت از اعتصاب چندروزه رانندگان تاکسی تهران در اوایل ۱۳۳۷ به منظور جلب عضویت آنها در حزب اقدام کردند، به کارشکنی در امور دولت متهم شدند، بناچار مسئولین حزب بخاطر ناتوانی از مقاومت در مقابل حزب حاکم (ملیون) از دخالت در اعتصاب آنها، خودداری نمودند. البته به غیر از تشکلهای کارگری مذکور، برخی گروههای سیاسی نظیر جمعیت آزادی به دبیرکلی حسن ارسنجانی، گروه راما، جمعیت برادران متفق و جمعیت گاودارها و ... و همچنین انجمنهای محلی نظیر شورای محلی کوی افسریه، انجمن محلی جوادیه و ... نیز به حزب مردم پیوستند. همچنین در کردستان، برخی فعالان سیاسی کرد، با عضویت در حزب مردم و در پوشش جلسات حزبی به اشاعه نظریات و برنامه های تجزیه طلبانه خود می پرداختند.^۲

در مورد رابطه روحانیون دولتی با حزب مردم، باید گفت برخی از روحانیون متنفذ دولتی با این حزب میانه خوبی نداشتند (سند شماره ۸)، شاید بتوان نفوذ عناصر توده ای را در این راستا مؤثر دانست.

علم با ایفای نقش تاریخی خود در تأسیس و تثبیت سازمانهای حزب مردم و

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۶، ص ۱۲۶.
 ۲. همان، پرونده ۱۵، ص ۱۹.

کمیسیونهای مربوطه (سند شماره ۱۳ چارت سازمانی حزب) به دنبال شکست حزب در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی (۱۳۳۹)، در حالی که از نیل به آرزوی پست نخست وزیری ناکام ماند، در مواجهه با محدودیتهای دوره امینی (۱۳۴۱ - ۱۳۴۰) به ناچار خود را از حزب کنار کشید تا با کسب آشنائی کامل برای انجام مأموریتی بزرگتر (اجرای اصول ششگانه انقلاب سفید) پست نخست وزیری را تصاحب کند. البته علیرغم کناره گیری از حزب، وی به عنوان حامی مهم حزب در دوره های بعد باقی ماند. نتیجه آئی کناره گیری علم از حزب، تضعیف جناح چپ حزب بود. این جناح در دوره علم توانسته بود، با حمایت و پشتیبانی وی، بر تمام سازمانهای حزب سیطره یابد و بخصوص از زمان استعفای دو لیدر جناح راست (جمشید علم و علی اکبر بینا) از عضویت حزب در آبان سال ۱۳۳۸، توانست اکثر مناصب عمده حزبی را تصاحب نماید. اما به دنبال استعفای علم دو لیدر جناح چپ (محمد معتضد باهری و رسول پرویزی) و برخی از اعضای حزب از فعالیت در حزب کناره گیری کردند.

ماحصل سخن اینکه دوره دبیرکلی علم، به عنوان دوره ای بالنده و شکوفا برای حزب محسوب می شود. همانطور که گفته شد، تقویت و سازماندهی ساختار درونی حزب در این دوره شکل گرفت و این ساختار با مختصر تغییراتی برای غریب چهارده سال دیگر حفظ گردید. با وجود اینکه بعد از علم، حزب با بحرانهای متعددی مواجه شد، ولی ساختار آن به گونه ای تحکیم یافته بود که از همه این بحرانها از جمله بحران دوره نخست وزیر امینی جان سالم بدر برد. امینی که انحلال مجلسین را جهت اصلاح قانون انتخابات از شاه درخواست کرد، طبعاً نیازی به احزاب فرمایشی شاه نداشت، لذا علم از دبیرکلی حزب کناره گرفت و این مسئله حزب را تا مرز سقوط کشاند. یکی از گزارشهای این دوره حکایت از این دارد که تمام شعبات حزب تعطیل گردید و رفت و آمدی به حزب صورت نمی گرفت. فقط ۲۸ نفر از اعضای وفادار آن با عزمی راسخ به فعالیتهای حزب تداوم بخشیدند و توانستند حزب را از این مرحله بحرانی نجات دهند.

در تبیین موفقیتهای حزب در سالهای آغازین تشکیل آن، علاوه بر موقعیتهای خاص جامعه از لحاظ گرایشهای سیاسی، می بایست به شخصیت خود علم نیز اشاره کرد. فعالیتهای حزب در این دوره علیرغم برخورداری از عنوان اقلیت از لحاظ قدرت و اهمیت، با حزب حاکم اکثریت ملیون - که از همه امکانات دولتی بهره مند بود - برابری

می‌کرد. قباد ظفر (لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم) قادر به مانور در مقابل نمایندگان حزب اکثریت بود. نقش اسدالله علم در شکل و تثبیت و بقای حزب مردم وقتی آشکار می‌شود که ملاحظه کنیم که برخلاف حزب ملیون که با کنار گذاشتن منوچهر اقبال (رهبر حزب ملیون) از پست نخست وزیر در سال ۱۳۳۹، عمر حزب وی نیز به پایان رسید، «موجودیت این احزاب [دولتی] صرفاً به وجود چند شخصیت مملکتی بستگی داشته و با کنار رفتن آنها، پایه‌های این دسته‌جات متزلزل و بعضاً فعالیت آنها (مانند حزب ملیون) به کلی متوقف گردیده است»^۱.

ولی با کناره‌گیری از حزب مردم، این حزب به خاطر برخورداری از سازماندهی و تشکیلات منسجم و ایجاد شعبات متعدد در استانها و فرمانداریهای کل توانست به فعالیت خود ادامه دهد.

۲- دورهٔ تزلزل: این دوره که از شهریور ۱۳۳۹ تا اردیبهشت ۱۳۵۰ با دبیر کلی پرفسور یحیی عدل، طول کشید، بعنوان دوره‌ای متزلزل در روند فعالیت‌های حزب مردم محسوب می‌شود، با توجه به رسالتی که برای این حزب در نظر گرفته شده بود شاید بتوان انتخاب عدل را با عنایت به روحیهٔ محافظه‌کاری اش به عنوان انتخابی مناسب در نظر گرفت. آنچه که شاه از این حزب توقع داشت «ادای حزب اقلیت در آوردن» بود و می‌بایست این نقش را نیز با «سر و صدا راه انداختن» ایفا می‌کرد. لذا علی‌رغم اینکه عدل از جریانات سیاسی به دور بود و از قاطعیت لازم یک دبیر کل حزب برخوردار نبود ولی بخاطر دوستی نزدیکش با شاه و به تبع اعتماد خاص شاه به وی، از منظر کارگزاران حکومت، وی فردی مطلوب برای این سمت بود، «پروفیسور عدل از تنها چیزی که سر رشته نداشت سیاست بود... شاه پروفیسور عدل را برای خالی نبودن عریضه به دبیر کلی حزب مردم انتخاب کرد تا ظاهراً حزب بازی در قالب حزب اقلیت و اکثریت حفظ شود»^۲.

سوابق عدل نشان می‌دهد که وی تخصص خود را در رشته جراحی از فرانسه اخذ و در سال ۱۳۱۸ به ایران برگشت و بعنوان استاد دانشکده پزشکی و سپس ریاست

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۵، ص ۶۸.

۲. احمد علی مسعود (انصاری، پس از سقوط (تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱) ص ۵۵.

بیمارستان سینا و بعداً بخاطر تبحر علمی بعنوان پزشک مخصوص شاه و در نهایت بعنوان سناتور انتصابی فعالیت کرد. علاوه بر همه اینها، وی یکی از اشخاص انگشت شمار محارم شاه محسوب می شد «از اطرافیان شاه که بیش از حد در او نفوذ داشتند و در پشت پرده نقش مهمی ایفا می کردند می توان از پروفیسور یحیی عدل و ... نام برد (۲). محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی (تهران: نشر علم، ۱۳۴۷) ج ۲ ص ۸۹۱.» حسین فردوست نیز از عدل بعنوان یکی از شرکت کنندگان در بز مه های شبانه شاه نام برده است (۳). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱) ص ۲۶۳. وی همچنین یکی از مؤسسين حزب مردم محسوب می شد.

عدل علاوه بر تصدی دبیر کلی حزب در دهه چهل، در دوره دبیر کلی علینقی کنی (۱۳۵۱ - ۱۳۵۰) نیز عنوان تشریفاتی ریاست کل حزب را بعهده داشت و بعد از عزل کنی نیز مجدداً وی به مدت یکسال (۱۳۵۲ - ۱۳۵۱) دیگر دبیر کلی حزب را به عهده گرفت تا اینکه در دوره دبیر کلی ناصر عامری (۱۳۵۳ - ۱۳۵۲) بطور کلی از حزب مردم کناره گیری کرد.

از وقایع عمده دوره اول دبیر کل یعدل بر حزب می توان به برگزاری دوبار کنگره حزب به ترتیب در ۱۳۴۰/۱۲/۲۰ و ۱۳۴۴/۱۲/۴ (که در بحث قبلی به آن اشاره کردیم) و همچنین برگزاری برخی سمینارها و کنفرانسهای حزب نظیر «سمینار بررسی امور روستایی» در ۱۳۴۶/۲/۱۲ و به خصوص بحرانهای ناشی از شرکت حزب در انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورای ملی و انتخابات انجمنهای شهر و برگزاری بسیاری از مراسمهای مختلف به مناسبتهای روز اشاره کرد.

نکته قابل تأمل در فعالیتهای این دوره حزب در برخی مواقع، دنباله روی از سیاستهای دولت بود. به تعبیر دیگر به همان میزان که حزب دچار ضعف قدرت و مدیریت می شد به همان میزان از توانایی اش در موضعگیری علیه دولت و حزب اکثریت کاسته می شد. شعار «حفظ اتحاد ملی و یکپارچگی ملت» دستاویزی بود که بارها حزب مردم باتوسل به آن همسو با حزب اکثریت ایران نوین (۱۳۵۳ - ۱۳۴۳) عمل می کرد.

دومین مرحله بازی حزب اقلیت و اکثریت، رقابت حزب مردم با حزب ایران نوین محسوب می شد. هسته اولیه حزب ایران نوین «کانون مترقی» حسنعلی منصور بود،

منصور با تصدی نخست وزیری (۱۳۴۳-۱۳۴۲) به دستور شاه در راستای تداوم نظام دو حزبی، با همکاری گروه روشنفکران و تحصیلکردگان عضو کانون مذکور، حزب ایران نوین را بعنوان حزب اکثریت حاکم دولتی تأسیس کرد، این حزب به عنوان دومین حزب اکثریت (اولین آن حزب ملیون (۱۳۳۹-۱۳۳۶) منوچهر اقبال بود) به مدت یک دهه در مقابل حزب اقلیت مردم به رقابت برخاست. هر چند بعد از ترور منصور در اول بهمن ۱۳۴۳، امیرعباس هویدا (۱۳۵۶-۱۳۴۳) نخست وزیر بعدی مستقیماً دبیر کل حزب ایران نوین نبود ولی از حامیان اصلی این حزب^۱ در نقش حزب حاکم اکثریت، در مقابل حزب اقلیت مردم قرار داشت. شعار و محور اصلی حزب ایران نوین اجرای اصول انقلاب شاه و ملت (انقلاب سفید) بود.

یکی از نقاط عطف فعالیت‌های حزب مردم در این دوره، شکست جنجالی در انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورای ملی و سنا در سال ۱۳۴۶ بود و بخصوص بدنبال آن، شکست دیگر حزب در انتخابات انجمنهای شهر و شهرستان در سال بعد که منجر به تشدید اختلافات درون حزبی و در نهایت استعفای دسته جمعی برخی اعضای کمیته های حزب در شهرستانهای کشور شد. کاندیداهای شکست خورده در انتخابات مذکور، علت این شکست را در ضعف عملکرد مسئولین حزب دانستند و حزب را متهم ساختند که با سازشکاریهای پشت پرده با حزب اکثریت در مرکز و عدم توجه به موقعیت حزب در شهرستانها عامل این شکستها شده است. ولی مسئولین حزبی ضمن رد این اتهام علت اصلی شکست را در عدم تناسب امکانات و مقدوران طرفین عنوان کردند، به دنبال این مسائل، گروهی از همین ناراضیان «جناح پیشرو حزب مردم» را به رهبری سید محمود سجادی (عضو شورای عالی حزب) تشکیل داده و ضمن صدور اعلامیه هائی به افشاگری علیه برخی مقامات حزب پرداختند^۲. این جناح پیشنهاد نمود که دکتر محمد معتمد باهاری بجای یحیی عدل دبیر کلی حزب را به عهده بگیرد. البته قبل از این مسئله نیز ۶ نفر از اعضای مؤثر حزب به پیشنهاد هلاکو رامبد (لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم در مجلس شورای ملی) در طی جلسه ای محرمانه به این نتیجه

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۲ ص ۴۶.

۲. همان، پرونده ۱۶۲ ص ۱۶۵-۱۵۱.

رسیدند که «آقای پرفسور عدل مرد سیاسی نیست و قادر به ادامه رهبری حزب نمی باشد ولی از طرفی چون مردی صدیق و شاهدوست و مورد اعتماد است و ضمناً از طرف شاهنشاه مسئول اداره امور حزب مردم است باید ناگزیر با او همکاری کرد خود عدل نیز مایل به ماندن در این سمت نبود و حتی در مقام پاسخگویی یکبار به صراحت اعلام کرد «این حزب را به اجبار کردن من گذاشته اند».

بدنبال این بحرانها، شورای عالی حزب (بالا ترین مرجع) پیشنهادهای مبنی بر ترمیم وضعیت حزب ارائه نمود از جمله به دبیر کل حق انتخاب ۱۵ نفر جهت عضویت کمیته مرکزی حزب - اعضای کمیته مرکزی بخاطر بحران ناشی از شکستهای انتخاباتی حزب استعفا داده بودند - و همچنین انتخاب دو معاون به جای یک قائم مقام^۳ این تغییر بخاطر عدم تفکیک وظایف آندو به اختلافی دامنه دار بین دو معاون هلاکو رامبد (لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم در مجلس شورای ملی) و کاظم جفرودی (لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم در مجلس سنا) منجر شد^۴.

یکی از بوته های ساواک که در تاریخ ۱۳۴۹/۱۰/۲ تهیه شده، علل ناکامیها و ضعف حزب را چنین برشمرد: فقدان رهبری، دلسردی اعضای حزب بخاطر سیطره تعدادی افراد خاص بر مقدرات حزب، ایجاد محدودیتهایی از طرف مقامات دولتی که اکثراً عضویت حزب ایران نوین می باشند، ضعف مالی بخاطر عدم پرداخت حق عضویت از طرف اعضای حزب، اعمال نفوذ دولت حزبی (حزب ایران نوین تحت حمایت دولت هویدا قرار داشت) در انتخابات نمایندگان مجلسین، فقدان ایدئولوژی و عدم رویکرد طبقه روشنفکر به حزب، ضعف مدیریتی و سازماندهی کادر رهبری و اجرایی و در نهایت وضع خاص جامعه ایران از لحاظ فعالیت احزاب سیاسی^۵.

واقعیت امر این است که تعیین عوامل مذکور سرپوشی است برای گریز از علت واقعی که همانا وابستگی حزب به شاه و نظام می باشد. به هر حال وقتی که اقدامات مذکور نیز افاده نکرد، مقامات حزبی تصمیم گرفتند برخلاف چارت سازمانی حزب

۱. همان، پرونده ۱۶۲ ص ۸۲-۸۱.

۲. همان، پرونده ۱۵۴ ص ۱۱.

۳. همان، پرونده ۱۶۲ ص ۲۴۹-۲۴۷.

۴. همان، پرونده ۱۶۲ ص ۱۲۵-۱۲۴.

۵. آرشبو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۲ ص ۲۷۸-۲۷۷.

دفتر جدیدی تحت عنوان «دفتر سیاسی» جهت حل و فصل نهایی مسائل و مشکلات حزب تأسیس نمایند و برای این دفتر آئین نامه ای نیز تدوین نمودند. و هنگامیکه در یکی از جلسات حزبی یکی از اعضا درباره تشکیل غیر قانونی این دفتر سؤال نمود عدل پاسخ داد راجع به دفتر سیاسی نیاستی صحبت شود چون شخص شاهنشاه آریامهر خواسته اند که دفتر سیاسی در حزب مردم بوجود آید^۱.

علاوه بر فعالیتهای فوق الذکر در این دوره می توان بر برنامه های حزب جهت برگزاری مراسمهای ویژه به مناسبتهای روز اشاره نمود البته اینگونه مراسمها در تمام دوران فعالیت حزب انجام می شد ولی انجام آنها در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار بود. این مراسمها که در زمینه های بزرگداشت سالروز وقایع خاصی برگزار می شدند بعضاً در رقابت با حزب اکثریت هدف مراسم تحت الشعاع قرار می گرفت بطور مثال یکی از اسناد اشاره به بروز مشاجره لفظی بین عطاء الله خسروانی (دبیر کل حزب ایران نوین) با محسن موثر (سردبیر ارگان حزب مردم) بخاطر تقدّم در نصب طاق نصرت حزب مربوطه در میدان ششم بهمن به مناسبت بزرگداشت سالروز فراندن ششم بهمن ۱۳۴۱ دارد (۳. همان، پرونده ۱۶۸ ص ۵۹). بطور کلی مناسبتهای عمده بقرار ذیل بود:

۱- ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ (جشن سالروز عید مشروطیت).

۲- ۱۷ دی ۱۳۱۴ (جشن سالروز اعطای آزادی به زنان، کشف حجاب توسط رضاشاه)

۳- ۲۱ آذر ۱۳۲۵ (جشن سالروز فرمان محمد رضا پهلوی جهت نجات آذربایجان)

۴- ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ (مراسم نیایش سلامتی شاه، روز ترور ناموفق محمد رضاشاه توسط ناصر فخرآرائی)

۵- ۱۵ بهمن ۱۳۲۸ (سالروز ازدواج محمد رضاشاه با فرح دیبا) (سند شماره ۱۴ متن دستخط شاه در خصوص تشکر از اسدالله علم بعنوان دبیر کل حزب مردم بخاطر آن حزب).

۱. همان، پرونده ۱۶۶ ص ۸۶.

۶- ۹ اسفند ۱۳۳۱ (مراسم «روز ملت»، انصراف محمدرضا شاه از سفر! به خارج به درخواست طرفداران سلطنت).

۷- ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (مراسم جشن قیام ملی! علیه مصدق).

۸- ۴ آبان ۱۳۳۹ (جشن تولد رضا پهلوی، ولیعهد).

۹- ۶ بهمن ۱۳۴۱ (جشن سالروز انقلاب شاه و ملت، رفراندوم لوایح ششگانه)

۱۰- ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ (مراسم نیایش سلامتی محمدرضا شاه: سالروز ترور ناموفق شاه توسط رضا شمس آبادی).

۱۱- ۴ آبان ۱۳۴۶ (جشن تاجگذاری شهبانو ولیعهد).

و بسیاری از مراسمهای دیگر به مناسبتهای مختلف از جمله استقبال از بازگشت شاه از سفرها و ... و به خصوص مراسم جشنهای ۲۵۰۰ ساله در ۱۹ مهر ۱۳۵۰ از اهمیت خاصی برخوردار بود.

در واقع بخش عمده‌ای از بودجه حزب مردم برای این قبیل مراسم و جشنهای دولتی هزینه می‌شد، از لحاظ مالی، مخارج حزب از طریق پرداخت حق عضویت اعضا و بویژه با کمکهای مالی برخی اشخاص متمکن از جمله خود اسدالله علم تأمین می‌گردید. در یکی از گزارشهای مالی حزب راجع به بودجه حزب آمده است:

بودجه حزب در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۱/۳۶۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که برای پرداخت هزینه‌های جاری حزب از قبیل حقوق کارمندان، نشریات و امور خدماتی، و برگزاری مراسم جشنهای فوق‌الذکر خرج شده است. در همین گزارش بودجه سال ۱۳۴۶ مبلغ ۳/۹۸۰/۰۰۰ ریال پیش‌بینی شده است که این افزایش بودجه از یک سو بخاطر برگزاری مراسم جشن تاجگذاری ۴ آبان در این سال بود که مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال اختصاص به آن داده شده بود و دیگر اینکه برای افزایش شعبات حزب در سرتاسر کشور پیش‌بینی هزینه شده بود^۱.

البته اسنادی دیگر نشان می‌دهد که شاه برای انجام کمکهای مالی به حزب دستوراتی صادر کرده بود «او امری به دولت شرف صدور یافت به حزب مردم کمک [مالی] شود و در دو فقره کمکهایی که به عمل آمده اکنون محل وسیع و آبرومندی [برای

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۴۵، ص ۲۰۴-۲۰۳.

حزب [ماهیانه ۱۲۰/۰۰۰ ریال اجاره گردیده است^۱]. در سندی دیگر که جنبه افشاگری علیه حزب دارد چنین آمده است «در حال حاضر [اسفند ۱۳۵۲] دولت فقط ماهیانه ۱۵ میلیون تومان^۲ به حزب مردم پول می دهد و مقامات به عامری [دبیرکلی حزب مردم] اطلاع داده اند که اول سال ۱۳۵۳ دولت فقط ماهیانه ۹ میلیون ریال به حزب پرداخت خواهد کرد^۳».

۳- دوره تضعیف و انحلال: بدنبال چندین بار تقاضای عدل جهت کناره گیری از دبیرکلی حزب، بالاخره شاه در اواخر ۱۳۵۰ با استعفای وی موافقت کرد (سند شماره ۱۵) سپس دوره سوم فعالیت‌های حزب به ترتیب با دبیرکلی علینقی کنی، یحیی عدل (مرتبه دوم)، ناصر عامری و محمد فضاییلی شروع شد، عدل، علینقی کنی را در اردیبهشت ۱۳۵۰ بعنوان دبیرکل حزب پیشنهاد نمود و این پیشنهاد توسط شورای عالی حزب تأیید شد و کنی رسماً از ۲۸ اردیبهشت همین سال شروع به فعالیت نمود. اما علی رغم عدم تمایل عدل به ادامه فعالیت در حزب، کارگزاران حکومت که حضور وی را لازم تشخیص می دادند برخلاف اساسنامه حزب، او را به سمت تشریفاتی ریاست کل حزب انتصاب نمودند. گویا حضور رسمی ولی کم رنگ وی بعنوان یک ناظر عالی بر روند فعالیت‌های حزب باعث می شد که چنانچه روند فعالیت حزب از چارچوب ترسیم شده خارج شود بلافاصله بطور رسمی در حزب حضور یافته و هدایت حزب را در کانال مخصوص خود بعهده بگیرد.

تمایز دوره سوم با دو دوره ماقبل در انتقادات بی پروای حزب اقلیت علیه حزب اکثریت بود. در واقع قبلاً نیز اینگونه انتقادات صورت می گرفت ولی هدف غایی آنها فریب افکار عمومی بود ولی عملکرد نقادانه این دوره چهارساله پایانی حزب نشان داد که گویا بسیاری از اعضای حزب که هنوز به آن وفادارند به کینه قضیه پی برده و دیگر حاضر نیستند که رفتاری تصنعی داشته باشند و لذا میزان و شدت انتقادات در این دوره به حدی افزایش یافت که عملاً موجب تضعیف آن از جانب مقامات بالا گردید و باعث شد که بطور بیسابقه ای در طول فعالیت چهارساله حزب، چهار دبیرکل تعویض شد.

۱. همان، پرونده ۱۶۸، ص ۲۴۰.
 ۲. احتمالاً مبلغ ۱۵ میلیون ریال صحیح می باشد.
 ۳. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۳، ص ۳۱۲-۳۱۱.

علینقی کنی دارای مدرک دکتری علوم سیاسی و حقوق و از شاغلین وزارت دادگستری بود. وی قبل از تشکیل حزب از گروه همراهان و یاران اسدالله علم محسوب می شد و با ترغیب علم عضو حزب شد و از فعالین و مؤسسين حزبی دوره اول محسوب می شد، با تصدی پست نخست وزیری از سوی علم، وی ابتدا به ریاست کل دفتر نخست وزیری و سپس به معاونت نخست وزیر برگزیده شد و در نهایت به سمت مدیر عاملی بنیاد فرهنگی ولیعهد منصوب گردید.^۱

نکته قابل تذکر اینکه طبق اساسنامه حزب انتخاب دبیر کل می بایست از سوی شورای عالی حزب (بالاترین مرجع حزب مردم) و از میان یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب صورت می گرفت اما کنی بعد از تصدی دبیر کلی حزب، به عضویت کمیته مرکزی و شورای عالی حزب درآمد. همین عمل خلاف قاعده، از همان اوان زمینه مخالفت برخی از اعضای مؤثر حزب را با کنی فراهم ساخت از جمله دو معاون (هلاکو را مبد و کاظم جفرودی) دبیر کل در اعتراض به این عمل از سمت خود استعفا دادند. البته از آنجا که در اینگونه انتصابات، عواملی خارج از حزب دست داشتند، چنانچه در مورد کنی، گویا سوابق دوستی وی با علم باعث شده بود که وی به این سمت برسد «کنی... از سوی علم مأمور شده بود تا حزب او را (مردم) اداره کند»^۲.

به هر حال دوره کنی با تحول و جنب و جوش زیادی همراه بود و حضور وی به یک دهه رکود و سکون دوره عدل محسوب می شد. سخنرانیها و مصاحبه های وی در اوایل دبیر کلی اش بسیاری از افراد فعال ولی منزوی حزب را متوجه افکار رادیکالی وی نمود و این امر، محبوبیت زیادی برای وی در افکار عمومی بدنبال داشت. از یک سو بی پروایی کنی و توانایی جلب افکار عمومی و از سوی دیگر افزایش معضلات و مشکلات جامعه برای وی زمینه مساعدی ایجاد می کرد که با بهانه قراردادن هر معضلی، بعنوان دستاویزی علیه دولت و حزب حاکم تبلیغ نماید و آن معضلات را نشانه بی کفایتی دولتمردان قلمداد کند بطوریکه هنوز ۱۴ ماه از دبیر کلی وی نگذشته بود که بدنبال ابراز ناخرسندی شاه از صراحت و شدت انتقاداتش، وی مجبور به استعفا گردید.^۳ (سند شماره ۱۶) زیرا از نظر

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۴ ص ۴۳.

۲. مسعود بهنود. از سیدضیاء تا بختیار (تهران: بی نا، ۱۳۶۸) ص ۵۴۵.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۶، ص ۴۰.

شاه نحوهٔ سخنرانیهای انتقادآمیزی وی از دولت در زمینه‌های فساد اداری، جو خفقان‌آمیز کشور، نارضایتی عمومی و رسالت دولت در راستای تأمین منافع آمریکا مطلوب نبود.^۱ لذا استعفای کنی از منظر مردم دارای این پیام بود که حکومت تحمل هیچ انتقادی را ندارد. به هر حال اسدالله علم از دوره کنی بعنوان تجدید حیات فعالیت حزب مردم ذکر کرده و در خاطرات روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۱ خود چنین آورده است: «شرفیابی کوتاه گزارش شکایت دکتر کنی، دبیرکل حزب مردم را تقدیم کردم، که مدعی است هرکس مقامی دولتی دارد، به محض پیوستن به حزب او از کار برکنار می‌شود، از جمله مدیر یک دبیرستان دولتی را نام برد. شاه خیلی ناراحت شد و بلافاصله به نخست‌وزیر تلفن زد که کنی در شکایتش محق بوده است سابقاً شاه این قبیل مسائل را با بی‌اعتنائی رد می‌کرد. (امیراسدالله علم گفتگوهای من با شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۱ ص ۳۵۲)) از دیدگاه کارگزاران حکومت، کنی پای خویش را از گلیم خود درازتر گذاشته بود «بعدها چند نفری که از خود مجاز مردم تخطی کرده بودند از حزب برکنار شدند مانند علینقی کنی»^۲.

عزل کنی در حالی صورت گرفت که وی با سخنرانیهای منتقدانه‌ای که علیه دولت هویدا در طی سفرهای تبلیغی به شهرها به منظور ترغیب اعضای حزب به شرکت در انتخابات انجمنهای شهر و شهرستان انجام می‌داد، در همهٔ سفرها با استقبال عمومی مواجه می‌شد، بسیاری از کمیته‌های حزبی شهرها که دوران طولانی‌ای از رکود را پشت سر گذاشته بودند، با ورود کنی به تحرک تازه‌ای روی می‌آوردند و خود را برای شرکت در انتخابات جدید آماده می‌نمودند. درحالیکه محبوبیت کنی در میان اعضای عادی حزب افزایش می‌یافت، دست اندرکاران محافظه‌کار حزب با تشکیل دو جناح با رهبری یحیی عدل و هلاکو رامبد به همراه برخی از مقامات سیاسی خارج از حزب^۳ علیه کنی موضعگیری نمودند تا از یک طرف زمینه‌های عزل وی را فراهم سازند و از سوی دیگر برای جلوگیری از انحراف حزب از مأموریت محوله چاره‌جویی نمایند. در واقع امر غیر منتظره و بی سابقه‌ای رخ داده بود گویا برای اولین بار حزب اقلیت

۱. آرشیو، اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۶ ص ۶۵، ۵۸.

۲. جلال عبده، چهل سال در صحنه (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۷) ص ۵۷۴.

۳. همان، پرونده ۶۴، ص ۱۹۸.

در نقش واقعی خود به ایفای نقش می پرداخت. گویا کنی به رسالت آرمانی یک حزب واقعی اقلیت روح تازه ای دمیده بود که از مدتها پیش بسیاری از اعضای حزب در انتظار آن لحظه شماری می کردند. یکی از اسناد، جریان عزل وی را چنین بازگو می کند «استعفای دبیرکل [کنی]... بخاطر میتینگ بود که در اصفهان در باغ همایون تشکیل داد که در آنجا شدیداً به دولت حمله نمود... و حزب حاکم را بصورت یک محیط کثیف دانسته... و شایع است که آقای هویدا بسیار ناراحت شده و مراتب را به شرفعرض همایونی رسانید و اعلیحضرت همایونی مقرر فرمودند ترتیبی اتخاذ شود که نامبرده از دبیرکلی حزب برکنار شود...»^۱

عزل کنی، یکی از بحرانهای بزرگ حزب مردم را در طول ۱۵ سال فعالیت بدنبال آورد. زیرا بدنبال عزل وی و اعمال نفوذ مسئولین حزب مرکز در مورد تعیین اشخاص مورد نظر جهت نمایندگی انتخابات انجمنهای شهر و در نتیجه سلب آزادی و ابتکار عمل کمیته های حزبی شهرستانها، تعداد زیادی از کمیته های حزبی شهرستانها نظیر کمیته های حزب مردم اهواز، زاهدان، خرمشهر، فیروزآباد و... بصورت دسته جمعی از حزب استعفا دادند و حتی برخی از آنها بصورت دسته جمعی به حزب ایران نوین پیوستند.

بدنبال این بحران شایعاتی مبنی بر احتمال دبیرکلی اشخاصی نظیر داریوش همایون، هلاکورامبد، مهدی سمیعی، محمد معتضد باهری، کاظم جفرودی، محمد مؤمنی و فضل الله صدر (دبیرکل حزب ایرانیان) بر حزب مردم بوجود آمد ولی در نهایت خود یحیی عدل از تاریخ ۱۳۵۱/۵/۳ مستقیماً امور حزب را بعهده گرفت اما در عمل قدرت واقعی را به کاظم جفرودی و گروه وابسته وی سپرد. این دوره که قریب یکسال تا ۱۳۵۲/۴/۶ طول کشید بعنوان دوره ای آشفته برای حزب محسوب می شود حضور عدل بعنوان بازگشت مجدد رکود در حزب محسوب می شد (سند شماره ۱۷) در این دوره حزب نه تنها تا حدودی از فعالیتهای عادی خود بازماند بلکه تشکّل و سازماندهی خود را از دست داد این امر بخاطر یأس و ناامیدی حاکم بر حزب بدنبال برکناری کنی و استعفای تعدادی از کمیته های شهرستانها بوجود آمد.

۱. همان، پرونده ۶۴ (ص ۱۹۸).

دوره یکساله دبیرکلی مجدد عدل را می توان بعنوان دوره فترت در روند فعالیت‌های حزب مردم نامید، سلطه جناح محافظه کاران بر حزب که از یک طرف خواهان حفظ و تأمین منافع شخصی بودند و از طرف دیگر نیز تمایلی به رنجاندن خاطر حزب اکثریت نداشتند عامل اصلی این فتنه محسوب می شد.

به هر حال دوره فترت، هم برای اعضای حزب و هم برای ناظران جریانات جامعه، صحنه ای از مقایسه ملموس رویکرد انتقادی (دوره کنی) و رویکرد محافظه کارانه (دوره عدل) را به نمایش می گذاشت. افکار عمومی این نکته را دریافت که اولین شرط لازم برای فعالیت حزب اقلیت، استقلال عمل آن می باشد و از آنجا که کارگزاران حکومت تحمل انتقاد را ندارند لذا مایل به استقلال حزب اقلیت نیستند.

تدوam یکساله این دوره بار دیگر بلا تکلیفی حزب اقلیت را در نظام دمووراسی! موردنظر شاه به نمایش گذاشت در حالیکه ادامه این روند ممکن بود فلسفه موجودیت حزب اقلیت را از دیدگاه خود کارگزاران رژیم زیرسؤال ببرد، به مثابه دفعات قبل، این بار نیز خود شاه تکلیف حزب را معین کرد. شاه در جریان ملاقات اعضای مؤثر حزب مردم با وی، خطاب به آنها گفت «حزب اقلیت باید مراقب کارهای قوه مجریه باشد تا احياناً اگر عیبی بود بگوید.»^۱ بدنبال این رهنمود به پیشنهاد یحیی عدل، شورای عالی حزب مردم، ناصر عامری را به دبیرکلی حزب برگزید. سوابق شغلی عامری نشان می دهد که وی بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی از آمریکا در سال ۱۳۳۳ به ایران برگشت و در سازمان عمران کرمان (از سازمانهای وابسته به اصل ۴، کمکهای آمریکا به ایران) مشغول کار شد و در این سمت سلسله مراتب اداری و مدیریتی را تا مدیرکلی امور اجتماعی عمرانی دهات در وزارت کشور طی کرد و آخرین سمت وی قبل از تصدی پست دبیرکلی حزب، معاونت بانک مرکزی ایران بود.^۲ سندی دیگر از وی بعنوان ریاست صندوق اعتبارات کشاورزی^۳ و ریاست صندوق توسعه کشاورزی نام برده است. سبعی دیگر وی را مسئول عمران و توسعه در وزارت کشور و از تحصیل کردگان دانشگاه یوتا (Youta) معرفی کرده است.^۴

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده انفرادی یحیی عدل، کد شماره ۱۶۷ ص ۱۷۲.

۲. همان، پرونده ۱۵۰ ص ۲۰۵.

۳. همان، پرونده ۱۶۴ ص ۲۳۵، ۲۲۴.

۴. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، احزاب سیاسی ایران (تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۶) ص ۴۲.

اما از لحاظ سوابق فعالیت‌های حزبی، عامری در دوران فعالیت در کرمان، به عضویت حزب مردم در همان شهر پذیرفته شد و در ۱۳۴۸ بعنوان قائم مقام دبیرکل حزب انتخاب شد و در اواخر دوره اول دبیرکلی از حزب مردم مستعفی و به حزب ایران نوین پیوست. بابرکناری کنی مجدداً در دوره فترت به فعالیت‌های حزبی، در حزب مردم روی آورد^۱ و با توصیه شاه به مقام‌های حزب مردم، عدل وی را برخلاف قاعده حزب مردم به دبیرکلی این حزب انتصاب نمود و در ۱۳۵۲/۴/۶، شورای عالی حزب وی را تأیید نمود. از آنجا که عامری عضو شورای عالی حزب نبود. وی نیز همانند کنی نمی‌توانست بعنوان دبیرکل انتخاب شود به هر حال عدول از این قاعده یکی از طولانی‌ترین بحران‌های حزب را در آخرین سال‌های فعالیت آن بوجود آورد.

در این زمان سه جناح در حزب فعالیت می‌کردند یکی گروه هلاکو رامبد (لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم) که نسبت به عمل غیر قانونی عدل با اغماض برخورد کرد. گروه دیگر گروه کاظم جفرودی بود که از همان آغاز با شدت تمام علیه جناح عامری موضع‌گیری کرد. و عامری نیز در اقدامی شتاب زده با تشکیل دادگاه حزبی، حکم اخراج گروه جفرودی از حزب داد. که این عمل جنجال بزرگی برای حزب بدنبال داشت.^۲

جفرودی که زمانی عنوان لیدر فراکسیون حزب مردم در مجلس سنا را بعهدہ داشت خود را مستحق دبیرکلی می‌دانست، و طرفدارانش نیز که از اعضای قدیمی و منتقد حزب محسوب می‌شدند بسیاری از مقامات عمده حزبی را در دست داشتند، اینک موقعیت حزبی و حیثیت اجتماعی خود را از دست داده بودند، لذا با سازماندهی و تشکیل گروهی تحت عنوان «اصلاح طلبان حزب مردم» به برگزاری جلسات منظم حزبی در منازل گروه اقدام و به افشاگری علیه عامری و سایر مسئولین حزبی پرداختند و انتخاب عامری را بعنوان اقدامی تحمیلی از جانب دولت تلقی و عامری را متهم به جاسوسی برای سازمان امنیتی آمریکا^۳ و حزب حاکم ایران نوین نمودند و مدعی شدند که کسی که سابقه عضویت در حزب رقیب حزب مردم را دارد شایستگی دبیرکلی حزب

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۶ ص ۲۳۵، ۲۳۴.

۲. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۵ ص ۱۱-۸.

۳. همان، پرونده ۱۶۴ ص ۲۲۲-۲۲۱.

مردم را دارا نمی‌باشد و لذا به نشر اعلامیه‌های فراوان در روزنامه‌های کشور علیه عامری پرداختند، عنوان و محتوی برخی از اعلامیه‌ها عبارت بودند از: دبیرکل حزب مردم عضو حزب ایران نوین می‌باشد، اقلیت از اکثریت دستور می‌گیرد، حزب مردم شعبه‌ای از حزب ایران نوین می‌باشد، جامعه به سوی نظام تک‌حزبی ... اعلامیه‌هایی با این مضامین نه تنها رسوایی بزرگ برای حزب اقلیت بود بلکه ماهیت و رسالت نظام دو حزبی را نیز افشا می‌کرد.

عامری که در او ان انتخابش محور برنامه‌های خود را تداوم اصلاحات ارضی، مبارزه با فساد، رفاه عمومی، و جلب مردم به مشارکت سیاسی اعلام کرد،^۱ هر چند ضعف عملکرد حزب را در رسیدن به اهداف خود، بخاطر دسته‌بندی‌ها و اختلافات درونی حزب می‌دانست آولی خود وی با اقدام به اخراج گروه جفرودی، بانی و باعث یکی از شدیدترین جناح‌بندیهای حزبی گردید.

نکته قابل تأمل اینکه، عامری نیز به پیروی از کنی، گویا فعالیت‌های حزب مردم را جدی تلقی کرد و به انتقادات شدید علیه دولت پرداخت و در اولین موضع‌گیریهای خود از مسایلی نظیر شهریه مدارس، انقلاب اداری و وضعیت دادگستری انتقاد نمود. هر چند این امر افکار عمومی را متوجه وی ساخت ولی بلافاصله وی نیز به سرنوشت کنی دچار شد و در «۸/۱۰/۱۳۵۳» از دبیرکلی عزل شد اما برای عامری سرنوشت تلخی در انتظار بود. زیرا مدت کوتاهی بعد، وی در یک تصادف در گیلان کشته شد. این حادثه، شایعات فراوانی در افکار عمومی ایجاد کرد که گویا تصادف ساختگی بود. دولت را متهم به قتل وی نمودند «عامری محدودیتهای انتقاد واقعی را تجربه نمود و در چند مورد سیاستهایی را انتقاد کرد که کاملاً به شاه مربوط می‌شدند، پاسخ شاه را می‌شد پیش بینی کرد. عامری از حزب اخراج شد و مدت کوتاهی پس از آن در یک تصادف اتومبیل به قتل رسید. مردم فکر می‌کردند که حادثه قتل عامری تصادفی نبوده است»^۲.

واقعیت امر این بود که چون سرنخ تمام جریانات کشور به دست شاه بود، در نزد آگاهان سیاسی هرگونه انتقاد از دولت متوجه خود شاه می‌شد «بعدها که چند نفری از

۱. همان، پرونده ۱۵۴ ص ۸۱-۶۹.

۲. همان، پرونده ۱۵۴ ص ۷۹.

۳. ریچارد کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۱ (صص ۴۸۶-۴۸۵).

حد مجاز حزب مردم تخطی کرده بودند از حزب برکنار شدند مانند ... ناصر عامری که یکی از رؤسای بانکها بود نیز به سرنوشت بدتری مبتلا گردید و بطور مرموزی در گیلان جان سپرد^۱ این حادثه وحشتی در بین اعضای حزب ایجاد کرد و بسیاری از فعالان حزبی حاضر به قبول دبیرکلی حزب نبودند «کسی داوطلب عهده دار شدن این شغل نامطمئن (دبیرکلی حزب مردم) نبود. ^۲ اما در نهایت شورای عالی حزب در تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۲۲ محمد فضایی را به دبیرکلی حزب منصوب نمود، سوابق شغلی و فعالیت‌های حزبی فضایی نشان می‌دهد که وی در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در سمت فرمانداری شیراز در طرفداری از مصدق مجسمه محمدرضا شاه را پایین کشیده بود و بعدها به طرفداران سلطنت پیوست و از طرف حزب اکثریت ایران نوین دوبار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. ^۳ چنین شایعه بود که وی به همراه هلاکو رامبد از اعضای فراماسون می‌باشند. ^۴ به هر حال فضایی از اعضای قدیمی حزب مردم بود و سمت‌های مختلف حزبی نظیر عضو هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما را در حزب مردم داشت و آخرین سمت وی قبل از تصدی دبیرکلی حزب، ریاست شورای عالی حزب در دوره عامری بود.

فضایی با شناختی که از اوضاع به دست آورده بود و از سرنوشت دو دبیرکل قبل از خود آگاهی داشت از همان آغاز، برنامه کاری خود را تفاهم با حزب حاکم و دولت اعلام کرد «چون هویدا نخست وزیر ۱۲ ساله مملکت است و نسبت به انتقاد شدید حساسیت دارد چه بهتر که با وی از طرف حزب مردم ایجاد حسن تفاهم نماید ... چرا در روزنامه‌ها مطالب حاد عنوان گردد که هم به امر تحزب لطمه بزند و هم موجب کدورت نخست وزیر شود که به هر حال برای حزب اقلیت نتیجه مطلوبی ندارد و دلیل آن هم رویه دولت، با دبیرکل‌های سابق (کنی و عامری) است. ^۵ با این سخنان وی اعلام کرد که مشروط به ابقا در مقام دبیرکلی حزب از انتقاد علیه دولت هویدا و حزب اکثریت خودداری خواهد کرد.

۱. جلال عبده، چهل سال در صحنه (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸) ص ۵۷۴.
۲. مسعود بهنود، از سیدضیاء تا بختیار (تهران: بی‌نا، ۱۳۶۸) ص ۵۴۵.
۳. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۴ ص ۲۳۵-۲۲۴.
۴. همان، پرونده ۱۶۳ ص ۸-۷.
۵. همان، پرونده ۱۶۶ ص ۱۲۲-۱۲۱.

رویه متخذه توسط فضایی از دیدگاه اعضای حزب بعنوان «تبانی فضایی با دولت جهت انحلال حزب مردم»^۱ تلقی گشت. گروه جفرودی (اصلاح طلبان حزب مردم) که از مخالفین سرسخت عامری محسوب می شد در این دوره نیز با این ادعا که با توجه به سابقه فضایی در دوره مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۱)، ممکن است در صداقت وی نسبت به شاه تردید حاصل کرد^۲ به مخالفت با وی پرداختند.

یکی از وقایع عمده دبیرکلی سه ماهه فضایی، برگزاری کنگره چهارم حزب بود^۳ که شاه با عدم پذیرش درخواست ملاقات هیأت رئیسه کنگره مهر تأییدی بر پایان عمر حزب مردم زد.^۴

و سرانجام این مظهر دموکراسی بدستور بانی آن در اسفند ۱۳۵۳ به همراه سه حزب دیگر وقت؛ حزب ایران نوین (۱۳۵۳-۱۳۴۳)، حزب پان ایرانیست به رهبری داریوش فروهر و حزب ایرانیان به دبیرکلی فضل الله صدر به بهای تشکیل حزب واحد رستاخیز ملت ایران منحل اعلام گشتند.

ارزیابی و نتیجه گیری:

هرگونه تحلیل و ارزیابی از عملکرد این حزب باید با توجه به ماهیت وابسته بودن آن، انجام گیرد. حزب مردم، یک حزب آزاد نبود تا بعنوان یک حزب رفتاری واقعی و قابل ارزیابی داشته باشد. هر نقشی که ایفا کرد و هر قشری که جذب آن شد، دیکته شده و زیر نظر حاکمیت بود. این حزب هرگاه راه انتقاد واقعی و ایفای نقش اقلیت واقعی را در پیش گرفت، بشدت تضعیف می شد. انحلال نهایی نظام دوحزبی و ایجاد حزب واحد رستاخیز، این نکته را آشکار می کند که شاه، حتی نمی خواست زحمت کنترل حزب و سوء استفاده احتمالی از آن را به خود بدهد. و این نشان دهنده بیداری جامعه و استفاده آنها حتی از کانالهای دولتی وقت (و نامشروع) جهت احقاق حقوق و خواسته های مشروع می باشد.

با این حال حزب مردم، به جای آنکه، وعده گاه اقلیت باشد و اکثریت حاکم را

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۴ ص ۲۰۵-۲۰۴.

۲. همان، پرونده، ۱۶۴ ص ۲۵۱-۲۵۰.

۳. همان پرونده ۱۶۴ ص ۲۲۰-۲۱۹.

۴. همان، پرونده ۱۶۴ ص ۲۰۳-۲۰۱.

مورد انتقاد قرار دهد، عملاً کانالی برای منفعت طلبی فرصت طلبان بود.

تمایلات منفعت طلبانه نیز یکی از عوامل جذب افراد به این حزب محسوب می شد. برخی از تحصیل کردگان داخل و غالباً خارج از کشور که در پی کسب مناصب شغلی بالا بودند، از طریق عضویت در حزب می توانستند هر چه بیشتر به کارگزاران سیاسی جامعه نزدیک شده و به مناصب شغلی مورد نظر خود دست یابند. (سند شماره ۹) «هر دو حزب سیاسی (مردم، ملیون) باشگاههایی بودند که از شیفتگان قدرت و تشنگان ثروت و شهرت انباشته بودند^۱» فرمایشی بودن احزاب مذکور، نه تنها منجر به ناتوانی از جذب توده های مردم در مشارکت سیاسی گردید بلکه با رقابتهای سودگرایانه و سوداگرایانه حزبی باعث سلب اعتماد عمومی مردم از احزاب شد. «احزاب مردم و ملیون که مرام و اساسنامه آنها ظاهراً به نفع و خدمت به مملکت تنظیم شده بود، هر چند یکبار، متناسب با الزامات سیاسی از درون اتاقهای دربسته خود، به تظاهر در صحنه سیاسی ایران کشانده می شدند و به رقابتهای حزبی با یکدیگر می پرداختند... این دو حزب هیچ نفوذ و ریشه ای در توده مردم نیافتند... [این احزاب] برای کسب میز و مقام و کالت مجلس بودند که با کنار رفتن رهبران در ظرف ۲۴ ساعت از هم می پاشید. ^۲ شاید بتوان عامل اصلی عضویت افراد متمکن در شهرستانها را در حزب مردم یا ملیون در راستای کسب نمایندگی مجلس شورای ملی دانست. در یکی از اسناد که گویای چگونگی پیوند تأسیس شعبات حزب با کسب نمایندگی مجلس شورای ملی است چنین آمده است «وضع مالی کمیته های حزبی بدین صورت انجام می گرفت که هر یک از افرادی که در شهرها دنبال وکالت بودند به ادامه حیات حزب در آن محل کمکهایی می نمودند و اگر وکیل می شدند با شور و علاقه بیشتری در حفظ کمیته ای که از آنجا نماینده شده بودند می کوشیدند... و نیز شعباتی هم بودند که وقتی کاندیدای شکست خورده آنها بکلی کنار می رفت آنها [اعضای حزب مردم آن شهرستان] نیز چون قادر به پرداخت هزینه حزب نبودند و یا میل نداشتند چنین هزینه هایی را عمل کنند تابلوی

۱. حسین تبریزی، علل ناپایداری احزاب سیاسی ایران (تهران: مرکز نشر بین الملل، ۱۳۷۱). ص ۲۸۶.
 ۲. یوسف مازندی، ایران ابرقدرت قرن (تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳) ص ۵۵۶.

حزب را پایین می آوردند^۱».

و گویا از منظر کارگزاران حکومت نیز رسالت این دو حزب، شناسایی افراد وفادار به سلطنت در سرتاسر کشور به منظور واگذاری مقامات محلی به آنها بود و در گام بعدی تربیت و آموزش فکری آنها نیز از وظایف حزب بود و لذا «اعلام موجودیت این دو حزب [مردم و ملیون] به اندازه ای مسخره بود که خود رهبران و اعضای اصلی آن نمی دانستند تفاوت آنها در کجاست، گویا این دو شخص [علم و اقبال] در اجرای اوامر همایونی به تأسیس حزب مبادرت کرده و اعضای بی ایمان این احزاب هم تنها چیزی که می خواستند پست و مقام و یا امتیاز و وجهه بود که عاید آنها گردد و گویا انتخاب یکی از دو حزب هم در اختیار خود آنها بود^۲».

یکی از نکات قابل تأمل در بررسی این حزب اعطای نقش اقلیت به آن می باشد، به این ترتیب که این حزب در راستای اجرای مأموریت محوله در طول فعالیت ۱۸ ساله هرگز نمی توانست اکثریت پارلمانی مجلس را بدست آورد و یا کابینه تشکیل دهد.

اگر چه یکبار در انتخابات جنجالی دوره بیستم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۳۹ این امید برای آن حاصل شد که به رقابتی سخت با حزب اکثریت بپردازد. چون شاه مخصوصاً تأکید کرده بود که این انتخابات آزاد خواهد بود و حزب پیروز مسئول تشکیل کابینه است. حزب مردم به تبلیغات وسیعی برای بدست آوردن اکثریت کرسیهای مجلس دست زد «بطوریکه شاید بتوان گفت با اینکه نظام دو حزبی جدید کاملاً مصنوعی بنظر می رسید، اما رقابت برای نشستن بر مسند صدارت از راه مبارزات انتخاباتی، سبب گردید که روحیه آزادی که از زمان سقوط رژیم مصدق در ۱۹۵۳ [۲۸ مرداد ۱۳۳۲] از بین رفته بود دوباره جان گیرد^۳» اما کسب پیروزی حزب ملیون، دولت متهم به تقلب در انتخابات شد و حزب مردم همراه با حزب توده و جبهه ملی خواستار لغو انتخابات گردید. شاه نیز انتخابات را باطل اعلام کرد. لذا عنوان «اقلیت» برای حزب مردم از یک واقعیت عینی (در اقلیت بودن در مقابل حزب حاکم ملیون) نشأت

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۵ ص ۲۳۸-۲۳۷.

۲. عبدالرحیم ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰). ص ۳۰۳.

۳. سپهر ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی (تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۴) ص ۳۶۲.

نمی گرفت بلکه این امر ناشی از اراده و تصمیم شاه به اقلیت نگه داشتن این حزب بود، لذا طبق گزارش یکی از اسناد، وقتی برخی اعضای منفرد مجلس شورای ملی از اسدالله علم تقاضای عضویت در فراکسیون پارلمانی حزب مردم را نمودند «وی این موضوع را موکول به کسب اجازه از پیشگاه ملوکانه کرده و بالاخره پس از شرفیابی به نمایندگان مذکور پاسخ داد متأسفانه در حال حاضر اعلیحضرت همایون شاهنشاه، ورود هیچیک از نمایندگان منفرد را به حزب مردم صلاح نمی دانند و معتقدند در اینصورت اقلیت بصورت اکثریت درآمده و وضع دولت دکتر اقبال را متزلزل خواهد کرد»^۱.

از دیدگاه شاه این حزب موظف بود ادای حزب اقلیت را درآورد، به تعبیر خود وی «مقصود من [از تاسیس حزب اقلیت مردم] سر و صدا راه انداختن است»^۲ اما اگر این سر و صدا از مرز خط قرمز فراتر می رفت و امکان ایجاد بحران پیش می آمد به دستور خود شاه عامل این بحران از حزب اخراج می شد. وی که گاهی در مقام پاسخگویی به تناقضات بوجود آمده از اصول دموکراسی با فعالیت احزاب دولتی عاجز می شد، به تناقض گویی می پرداخت «ما از شنیدن صدای مخالف روی گردان نیستیم. ما به صف مخالف هم نیاز مندیم، خودم مخالفانی را که نیت سازندگی دارند تشویق می کنم، در صف مخالف احزابی مثل حزب مردم داریم. اما نکته جالب این است که در کشور ما امری برای مخالفت وجود ندارد»^۳.

در حالیکه وی در گفتار دیگری تشکیل دو حزب را به خود منتسب می داند از سال ۱۳۶۶ به این طرف که اوضاع سیاسی کشور ما ثباتی پدید آورد خود من با علاقه وافری از تشکیل دو حزب اکثریت و اقلیت پشتیبانی کرده و مکرراً به مرحله عمل درآوردم»^۴ در کتاب ماموریت برای وظنم همین مطلب را رد کرده و چنین می گوید «بعضی از افراد از احزاب ما انتقاد می کنند به این معنا که این دو حزب از طرف مردم بنیان گذاری نشده و از طرف مقامات عالیة کشور تحمیل گشته اند و حتی برخی از بدگویان مدعی هستند که این احزاب دست نشانده مقام سلطنت و دولت هستند»^۵.

۱. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۳۹ ص ۳۹.

۲. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۷ ص ۵۱.

۳. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۷ ص ۵۰.

۴. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۷ ص ۵۱.

۵. به نقل آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۶۷ ص ۵۰.

چند سال بعد در اواخر سال ۱۳۵۳ گوینده این سخنان چون خود را از پاسخگویی به چالشهای حاصله ناتوان دید به یکباره تمام احزاب سیاسی را منحل اعلام کرد، درحالیکه در کتاب مذکور رژیمهای تک حزبی را فاشیستی نامیده بود خود سیاست تک حزبی را پیشه ساخت و حزب واحد رستاخیز ملت ایران را تأسیس نمود، تا تمام فعالان حزبی دولتی را در قالب یک حزب واحد متحد و یکپارچه متمرکز نماید. در واقع این اقدام از ناتوانی احزاب اکثریت و اقلیت از ایفای نقش محوله صورت گرفت، «حزب مردم که رل اقلیت را بعهده دارد بعلت خلاءفکری و سیاسی سالهای اخیر [گزارش مربوط به سال ۱۳۵۲ می باشد] قادر نگردیده نقش واقعی خود را عمل نموده و برای طبقه ناراضی و ناراحت مملکت در مقابل تحریکات و تبلیغات بیگانگان ملجاء و پناهگاهی باشد» هرچند در واقع ماهیت سیستم دو حزبی بمردم و ملیون نیز یکی بود «اساسنامه هر دو حزب اصولاً با یکدیگر فرقی نداشت^۱» و هر دو رسالت واحدی به عهده داشتند «حزب مردم اصولاً دارای ایدئولوژی خاصی نیست و مقامات حزبی بارها گفته اند ایدئولوژی احزاب [دولتی] به اساس اصول انقلاب شاه و ملت است و حزب اقلیت و اکثریت مبارزه ایدئولوژی ندارند بلکه این احزاب برنامه ای هستند که هر کدام عقیده دارند از حزب دیگر بهتر قادر به اجرای برنامه های انقلابی هستند و دلیل می آوند که فعالیت احزاب ایران نظیر امریکاست^۲». در واقع شاید بتوان چنین قضاوت کرد که هر چند قبل از تأسیس حزب واحد ملت، رستاخیز، اسماً دو حزب اکثریت و اقلیت داشتیم ولی با مد نظر قرار دادن عملکرد و رسالت آنها، می توان آندو را جناحهای یک حزب واحد تلقی کرد چنانچه به تعبیر دیگر می توان دو جناح «سازنده» و «پیشرو» حزب رستاخیز ملت ایران را نیز به مثابه دو حزب سابق (مردم و ملیون) و بعداً (مردم و ایران نوین) تلقی کرد.

با این روند فعالیت احزاب، هرگونه انتظار پیدایش فرهنگ تحزب در آن دوره رویایی بیش نبود، در واقع «دکتر اقبال [رهبر حزب ملیون] و اسدالله علم [دبیرکل حزب مردم] هر دو از سرسپردگان شاه بودند و پیروزی یک حزب بر دیگری تأثیری در

۱. به نقل از آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۵۵ ص ۶۸.

۲. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۳۹، ص ۳۹.

۳. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی پرونده ۱۵۵ ص ۲۴۲.

وضع رژیم بجای نمی گذاشت^۱».

«به قول یکی از روزنامه های انگلیسی، ما در ایران دو حزب داریم، حزب

بله قربان و حزب البته قربان^۲».

ماحصل سخن اینکه کارگزاران اصلی ایندو حزب، خود شاه بود و خط مشی حزب اکثریت و اقلیت را خود شاه تعیین می کرد، (سند شماره ۳) در یکی از اسناد بعد از گزارش تصمیمات متخذة کادر رهبری حزب مردم راجع به لزوم رقابت با حزب ملیون در انتخابات هیأت رئیسه مجلس شورای ملی، چنین آمده است «قرار است پس از مراجعت شاهنشاه از لندن آقای علم شرفیاب و تقاضا نمایند که اجازه فرمایند حزب مردم در انتخابات هیأت رئیسه مجلس [شورای ملی] فعالیت بیشتری از خود ابراز دارد. ۳.

این بود سرنوشت یکی از نهادهای سیاسی که شاه با این توهم که برای ثبات سلطنتی ضروری است تشکیل داد تا شاید از حمایت حزبی منسجم در شرایط بحرانی جامعه برخوردار شود، اما همانطور که تاریخ نشان داد با طلیعه روزهای بحرانی آغاز انقلاب، ناکارآمدی اینگونه احزاب همچون حزب رستاخیز - که از اولین نهادهای سیاسی وابسته به حکومت بود که منحل اعلام گشت - معلوم شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. پیتز آوری، پیشین، ص ۷۹.
۲. اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۱) ج ۱. ص ۳۵۲.
۳. آرشبو اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۱۳۹ ص ۴۱.

سند شماره ۱

برای تشکیل حزب در تاریخ بیستم فروردین ۳۶ مطالعه شروع گردید. بدو صورت جامعی از افراد تحصیل کرده و خوشنام که دارای افکار روشن بوده و وطن پرستی و شاه دوستی خود را در مراحل مختلف به ثبوت رسانیده اند تهیه شد و در اطراف هریک مطالعات کافی به عمل آمد و عده ای که بتوانند بعنوان مؤسس، حزب را تشکیل دهند در مد نظر گرفته شد (با تیمسار سرلشگر بختیار هم نسبت به سوابق هریک مشورت می گردید) و چند مرتبه هم مراتب به عرض جناب آقای نخست وزیر رسید که نسبت به اشخاص نظر خود را بدهند و برای اینکه بتوان نظریه بعضیها را نسبت به تشکیل حزب به دست آورد که در این قسمت چه فکر می کنند و تا چه حد استقبال می نمایند با بعضیها تماس گرفته شد، مشاهده گردید که اگر این حزب از افراد خوشنام و وطن دوست و شاه پرست و بیغرض تشکیل شود حسن استقبال خواهد شد پس از این بررسیها و مطالعات کافی این اشخاص برای تشکیل حزب مناسب به نظر می رسند.

آقای دکتر هدایتی	آقای دکتر خانابابا بیانی
آقای دکتر سرداری	آقای دکتر کاسمی
آقای دکتر پورهمایون	آقای عرب شیبانی
آقای دکتر صورتگر	آقای دکتر پیرنیا
آقای صارمی	آقای مهندس فروغی
آقای دکتر فرهاد	آقای دکتر عسکری
آقای سردار فاخر حکمت	آقای دکتر ابو الضیاء
آقای دکتر کیهان	آقای دکتر ستوده
آقای دکتر راد	

با بعضی از آقایان مذاکره بعمل آمد و جلسات کوچک تشکیل گردیده و تبادل افکار شده که مقدمه ای برای تشکیل جلسه عمومی شود.

نسبت به مرامنامه ۲۶ فقره مرامنامه های مختلف تحت مطالعه قرار گرفت و چند مرامنامه احزاب ممالک خارجی مطالعه شد و طرح مرامنامه هم تدوین گردید که زمینه برای مذاکره و بحث در جلسات اولیه هیئت مؤسسين باشد (یک نسخه از طرح مزبور ضمیمه است) در مدت مسافرت اینجانب آقای دکتر هدایتی عهددار بررسی و اقدام

نسبت به این امر بوده تا اینکه قرار شد در هفته آینده جلسه عمومی برای تأسیس حزب تشکیل شود.

طرح پیوست فقط یک مطالعاتی است که نسبت به تهیه مرامنامه شده و حک و اصلاح زیادی لازم دارد که در جلسات هیأت مؤسسين مورد بررسی قرار گیرد.

سند شماره ۲

آقای علم وزیر سابق کشور برای جلب همکاری دستجات مختلف و محافل مطبوعاتی با حزب اقلیت شدیداً به فعالیت پرداخته و حتی با جهانگیر تفضلی و برادرش محمود تفضلی وکیل دادگستری و روسل پرویزی عضو هیأت مدیره شرکت تلفن برای استفاده از روزنامه ایران ما بعنوان روزنامه ارگان اقلیت مذاکره نموده است ولی نامبردگان با تمام دوستی که با ایشان داشته اند هنوز حاضر به قبول پیشنهاد آقای علم نگردیده و گفته اند چون تکلیف نمایندگی آقای علم روشن نیست و از طرفی هنوز دستجاتی تشکیل نشده است صلاح نمی دانند در آغاز زمامداری آقای دکتر اقبال در روزنامه خود لحن مخالفت آغاز کنند.

ضمناً آقای علم سعی می نماید باتماس با آقای دکتر بقائی نظر نامبرده را به سوی خود جلب و زمینه همکاری و هماهنگی حزب زحمتکشان ملت ایران را با حزب اقلیت فراهم نماید ولی به قراریکه یکی از نزدیکان دکتر بقائی می گفت در اینمورد نیز دکتر بقائی صلاح ندیده در آغاز کار متمایل به شخصی گردد که هنوز قدرت مشارالیه مشهود نگردیده است ولی چون آقای علم اظهار داشته اند تا ثروتمندان دارای ثروت بیکران و قراء و قصبات متعدد هستند کاری از پیش نمی رود تا اندازه ای توجه دارودسته طرفدار دکتر بقائی و حتی خلیل ملکی را به سوی خود جلب نموده اند.

منبع کاملاً موثق - ارزش خبر - تأیید شده

سند شماره ۳

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب مردم

شماره ۲-۳-۳۱۲۲

محل: پارلمان

تاریخ حادثه:

عطف بشماره

تاریخ وصول خبر: ۳۶/۸/۱۹

منبع خبر: الف

تاریخ گزارش: ۳۶/۸/۲۰

تقویم: ۲

نمایندگان وابسته به فراکسیون حزب مردم در مجلس شورای ملی قصد داشته اند بنا به توصیه سیدجعفر بهبهانی سخنرانیهای شدید را علیه دولت و آقای دکتر اقبال در مجلس بنمایند ولی اعلیحضرت همایون شاهنشاه از این اقدام جلوگیری نموده و فرموده اند که حمله به آقای دکتر اقبال ممکن است حمل بر جانبداری و دفاع از طرفداران سابق جبهه ملی گردد معهداً نمایندگان فراکسیون حزب مردم تصمیم دارند در یکی از جلسات آینده که پیش بینی می شود جلسه روز سه شنبه آینده ۳۶//۸/۱ باشد مانوری در مجلس شورای ملی علیه دولت بدهند.

ضمناً در جلسه عمومی روز پنجشنبه گذشته حزب مردم آقای علم در مورد تغییر قوانین کار، مذاکرات مفصلی نموده و به کمیسیونهای مربوطه دستور داده شد که قوانین مذکور را مورد مطالعه قرار دهند.

سند شماره ۴

اسامی اشخاصی که سابقاً در حزب توده بوده و فعلاً در حزب مردم نام نویسی کرده و یا خواهند کرد.

سند شماره ۵

رونوشت اعلامیه شماره ۲-۳-۲۳۷۶-۳۷/۶/۱۶

اخیراً طبق تصمیم کارگردانان حزب مردم حوزه های حزبی مرتباً در منازل افراد تشکیل و چون کارگردانان تشکیلات داخلی حزب مذکور را عموماً افرادی که سابقاً در حزب توده بوده اند تشکیل می دهند روی این اصل توانسته اند بمیزان قابل ملاحظه ای

دیسپلین حزبی را برقرار سازند ولی در حزب ملیون با اینکه دوماه است اقدام به تشکیل حوزه شده حتی برای نمونه یک حوزه حزبی هم تشکیل نگردیده است و آنهاییکه عضو حزب ملیون هستند حتی هیأت مؤسسين آن از سیاست روز حزب بی اطلاع می باشند. عدم تشکیلات صحیح داخلی در حزب ملیون سبب شده است غیر از کارمندان دولت و کارگران که بدستور مقامات مسئول خود انکت حزبی را پر کرده اند طبقات از قبیل اصناف تهران و دانشجویان و افرادی که دارای شغل آزادی باشند رسماً عضویت حزب را نپذیرند. ص

سند شماره ۶

محترماً با توجه به اطلاعیه پیوست و برابر گزارش دایره ۲ این بخش سجادی در حزب مردم باندی در مقابل افراد توده ای حزب مردم با همکاری آقایان دکتر دفتری، دکتر سناتور خانلری کوشایار تشکیل داده و مشغول فعالیت می باشد، هدف این باند این است که از اختلاف و شکاف بین افراد توده ای حزب مردم و افراد دیگر در حزب جلوگیری نمایند و این باند به دستور جناب آقای علم تشکیل شده و تاکنون نقش خود را خوب بازی نموده است بطوریکه تاکنون تعادل حزب را حفظ نموده است.

سجادی در حزب مردم عضو کمیسیون کادر تعلیماتی و عضو کمیسیون کار و عضو شوراهای بحث یعنی کلیه شعب حزب که در تهران می باشد و ضمناً رئیس حوزه ۵ و مسئول کلیه کارمندان و کارگران راه آهن عضو حزب است.

اخیراً سجادی کلیه کارگران کافه رستورانهای راه آهن را وابسته به حزب نموده و قرار است در این مورد در راه آهن جشن بزرگی ترتیب داده رسماً آقای علم جشن مزبور را افتتاح نمایند، سجادی عضو وزارت راه می باشد و در قسمت بازرسی راه آهن مشغول کار است، ایشان سابقاً در حزب توده عضویت داشته و اینک در جوادیه عضو یکی از انجمن های محلی می باشد و در هفته یک بار در دزاشیب منزل آقای علم بطور خصوصی درباره فعالیت های خود و اوضاع حزب با ایشان صحبت می کند و کارهای انجام شده را به عرض می رساند، سجادی با اینکه باندی در مقابل افراد توده ای حزب مردم تشکیل داده ولی با باند افراد توده ای بیشتر همکاری داشته و عقیده دارد که باند رسول پرویزی و دکتر باهری افراد توده ای حزب مردم دستة روشنفکر می باشند بیشتر به درد و گرفتاریهای افراد حزب آشنایی دارند ولی باند آقای پرفسور جمشید اعلم و امیر متقی که

افراد راست حزب هستند صد درصد انگلیسی می باشد و این دسته خائن هستند نباید به آنها اجازه داد که قدرت پیدا نمایند. سجادی این روزها سخت در فعالیت است و با همکاری آقایان دکتر دفتری، سناتور خانلری، رضا هدایتی، جاودیان، حسین شریانی، این سه نفر عضویت حزب توده را داشته و از افراد سابقه دار هستند و برای انتخابات کنگره حزبی فعالیت شدید دارند، طی بخشنامه حزبی که به تمام شهرستانها گردیده دستور داده شده که برای شرکت در کنگره حزب که از تاریخ ۳۸/۷/۲۶ تا تاریخ ۳۸/۷/۲۹ انتخابات نمایندگان حزب است و شورا تشکیل می شود دو نفر انتخاب نموده به کمیته مرکزی حزب در تهران معرفی نمایند.

سند شماره ۷

پیرو گزارش شماره فوق در مورد دستور آقای ابتهاج مدیرعامل سازمان برنامه به انصاری معاون خود جهت اخراج کارگرانیکه دارای تمایلات چپی بوده و در حزب مردم فعالیت دارند چون آقای دکتر خشایار عضو هیأت نظارت سازمان برنامه که عضو حزب مردم نیز می باشد جریان دستور آقای ابتهاج را به اطلاع آقای علم رهبر حزب مزبور رسانیده لذا کارگردانان حزب مردم با آقای ابتهاج مذاکره و در نتیجه از اعزام انصاری به کارخانجات و تهیه صورت افراد مورد بحث خودداری و بجای آن طی بخشنامه شماره ۲۵۲۹۹ - ۲/۱۰/۳۶ که رونوشت آن به ضمیمه تقدیم می گردد به کلیه واحدها و شرکت ها و کارخانجات تابعه سازمان دستوراتی داده شده است. بطور کلی رؤسای کارخانجات بعلت آنکه اعضای حزب مردم مورد حمایت آقای علم رهبر حزب می باشند از اجرای دستور صادره و جلوگیری از فعالیت کارگران در داخل از خانه و اخراج آنها بیم دارند.

سند شماره ۸

جعفر بهبهانی به دوستان خود گفته است فعالیت آقای علم که می خواهد از طریق تشکیل حزب مردم زمام امور کشور را بدست گیرد برای آینده او و دوستانش زیانبخش می باشد و نباید گذاشت دوستان آقای علم بین مردم نفوذ و اعتباری بدست آورند. وی افزوده پدرش آیت اله بهبهانی و سایر مقامات روحانی نیز با فعالیت آقای علم و حزب مردم نظر مساعدی ندارند.

جمال امامی هم بدوستان خود توصیه نموده است که نباید گذاشت این جوان سرنوشت سیاسی کشور را بدست گیرد.

در حال حاضر طرفداران مقامات مذهبی و دوستان جمال امامی از جمله کسانی هستند که علیه آقای علم و تشکیلات او بین طبقه روشنفکر تبلیغ می کنند و تبلیغات آنها تا درجه محسوسی هم افکار این طبقه را نسبت بحزب مردم بدبین ساخته و اقدامات حزب مردم را پایه ای برای فعالیت بنفع سیاست انگلستان قلمداد نموده اند.

سند شماره ۹

در حال حاضر افراد و اعضای حزب مردم به امید زمامداری سران حزب و کسب مقام و موقعیت بهتر بیش از سایر عناصر مخرب علیه دولت تحریک و تبلیغ می کنند. دکتر اکرامی یکی از افراد حزب مردم که در زمان دکتر مصدق از کارگردانان جبهه ملی بوده می گفت اکنون بهترین موقعیت برای عاجز نشان دادن دولت آقای دکتر اقبال در برابر حوادث سیاسی احتمالی که ممکن است در ایران بوجود آید بدست حزب مردم افتاده است.

سند شماره ۱۰

تاریخ تقاضای عضویت تاریخ پذیرش
امضاکننده زیر حسن فرزند مرحوم محمدامین دارای نام خانوادگی شجیعی شناسنامه شماره ۹۵۵ صادره از تربت حیدریه متولد شده سال ۱۳۰۵ در تربت حیدریه که هیچگونه محکومیتی که باعث محرومیت از حقوق اجتماعی باشد ندارم با مطالعه کامل مرامنامه و اساسنامه حزب علاقمند هستم که بعضویت حزب مردم درآیم و تعهد می کنم که برای تحقق مرام و اجرای مرامنامه حزب در حدود اساسنامه حزب ساعی و کوشا بوده با کمال صداقت و صمیمیت دستورها و تعلیمات حزبی را تبعیت و اجرا نمایم.

نشانی کار قرارگاه بخش ۴ تربت حیدریه

شماره تلفن

نشانی سکونت تهران خیابان روزولت کوچه کیوان شماره ۷

شماره تلفن ۷۵۶۴۰۵

سند شماره ۱۱ / دارای ۱۳ برگ

حزب مردم

کمیته مرکزی

کمیسیون تشکیلات

شهر همدان

.....

تاریخ صدور کارت

محل الصاق عکس

با هر تقاضا سه تخته عکس باید همراه باشد

پایخ تقاضای عضویت

تاریخ پذیرش

برگه درخواست عضویت

..... فرزند دارم نام خانوادگی و شناسنامه شماره
 صادره از متولد شده سال در که هیچگونه محکومیتی که باعث محرومیت از حقوق اجتماعی باشد
 م. با مطالعه کامل مرامنامه و اساسنامه حزب علاقمند هستیم که به عضویت حزب مردم در آیم و تمهید میکنم که برای تحقق مرام و اجرای برنامه
 ب مردم در حدود اساسنامه حزب سعی و کوشا بوده با کمال صداقت و صمیمیت دستورها و تعلیمات حزبی را تبعیت و اجرا نمایم .
 بی کار نشانی محل سکونت

اینجناب دارای کارت عضویت شماره
 نشانی کامل که بروحیات و معتقدات متقاضی دارم ، ایشان را برای عضویت در حزب مردم معرفی مینمایم .
 اعضاء

اینجناب دارای کارت عضویت شماره
 آشنائی کامل که بروحیات و معتقدات متقاضی دارم ، ایشان را برای عضویت در حزب مردم معرفی مینمایم .
 اعضاء

اطلاعاتی که درخواست کننده عضویت در کمال راستی و درستی برای تکمیل شناسنامه خود در اختیار حزب میگذارد: (۱)

۱ - اطلاعات علمی

درجات تحصیلی و رشته تخصصی

- در کدام دبستان
- در کدام دبیرستان
- در کدام دانشکده ایران
- در کدام دانشکده خارج
- زبانهای خارجی (که میاند)
- زبانهای خارجی (که آشنائی دارد)

۲ - سوابق اداری و دولتی

- شغل فعلی
- شروع خدمت
- مشاغلی که تا بحال داشته

۳ - سوابق اجتماعی و سیاسی

- عضویت کدام جمعیت غیر سیاسی را داشته
- عضویت کدام جمعیت سیاسی را داشته
- چه خدمات مهم اجتماعی و سیاسی انجام داده
- چه وقایع سیاسی در زندگی او روی داده

۴ - اطلاعات فنی و هنری

- درجه رشته فنی یا هنری کار تا بحد دارد
- درجه تخصص و میزان معلومات
- درجه رشته فنی یا هنری آموخته است
- با چه نوع وسایل موتوری و مکانیکی آشنائی دارد

۵ - اطلاعات دیگر

- دین و مذهب
- متأهل یا خیر
- تعداد اولاد
- تعداد افراد تحت تکفل
- خدمت و وظیفه انجام داده یا نه
- چه مبلغ و رودی می بردارد
- چه مبلغ حق عضویت ماهانه میدهد (مداخل در آمد بزرگ روز) (۱)

نظریه کمیسیون پذیرش

نظریه هیئت بازرسی

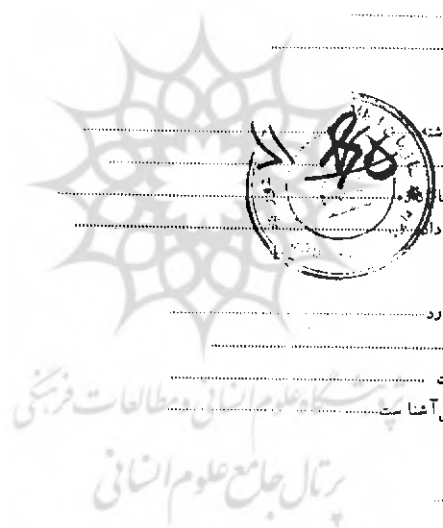
نظریه کمیسیون تشکیلات

(۱) - اگر عدم صحت يك یا چند مورد از مندرجات این ورقه معلوم شود، صاحب ورقه از عضویت در حزب مردم محروم خواهد

(۲) کسانی که درآمد ماهانه آنها از ۳۰۰۰ ریال کمتر است و متکفل مخارج افراد دیگر نبرشته، بپول خود میتوانند درآمد امده خود

حق عضویت بپردازند.

درخواست



اساسنامه حزب مردم عضویت

ماده ۱ - حزب مردم از افرادی تشکیل می شود که مرام حزب را پذیرفته و واجد شرایط زیر باشند:

الف - تابعیت ایران .

ب - نداشتن سوء شهرت .

پ - داشتن دو معرف از اعضا حزب .

ت - عدم عضویت در احزاب و جمعیت های سیاسی دیگر .

ث - داشتن حداقل ۱۸ سال تمام .

تبصره . کسانی که سن آنان کمتر از ۱۸ سال تمام است طبق آئین نامه مربوط در سازمان جوانان حزب پذیرفته می شوند .

ماده ۲ - تقاضاهای عضویت در کمیسیون پذیرش (که براساس ماده ۱۹ تشکیل می گردد) مورد رسیدگی قرار می گیرد و پس از تأیید صلاحیت متقاضی کارت عضویت صادر خواهد شد .

ماده ۳ - وظایف اعضای حزب بشرح زیر است:

الف - گذراندن یک دوره آموزشی بمدت سه ماه .

ب - اجرای کلیه مقررات حزب و دستورهای حزبی .

پ - شرکت منظم در یکی از حوزه های حزبی .

ت - تبلیغ مرام و کوشش برای توسعه و پیشرفت حزب .

ث - پرداخت حق عضویت بطور مرتب .

ج - شرکت در انتخابات .

ماده ۴ - کلیه اعضای حزب دارای حقوق مساوی هستند و ترقی آنان منوط به ابراز لیاقت و فعالیت آنان است .

ماده ۵ - اعضای حزب بر اثر ابراز فعالیت یا قصور در اجرای مقررات و تکالیف حزبی بموجب آئین نامه مصوب شورای عالی تشویق یا تنبیه و یا بموجب رای دادگاه های حزبی اخراج می شوند .

ماده ۶ - حزب از سازمان های زیر تشکیل می گردد:

الف - حوزه

ب - سازمان محلی .

پ - سازمان شهرستان .

ت - سازمان مرکزی

حوزه

ماده ۷ - هر حوزه از پنج تا بیست نفر از اعضای حزب تشکیل می گردد .

ماده ۸ - اداره امور حوزه و ارتباط آن با سازمان های محلی حزب بعهدہ سرپرست حوزه و تنظیم صورت جلسات و تهیه آمار غائبین و گزارش هایی که باید به امضاء سرپرست حوزه برسد با منشی و جمع آوری حق عضویت ها و کمک های مالی افراد و تحویل آنها به صندوق حزب با مسئول مالی خواهد بود .

ماده ۹ - سرپرست حوزه و مسئول مالی و منشی حوزه با رأی اکثریت اعضای حوزه برای مدت یکسال انتخاب می شوند . مسئول تشکیلات هر شهرستان می تواند تا سه ماه اداره موقت امور حوزه را به یک رابط تشکیلات واگذار کند .

تبصره : جز در هنگام انتخاب مسئولان حوزه که حضور نصف بعلاوه یک اعضای ضروری است ، جلسات حوزه با هر عده تشکیل خواهد شد .

ماده ۱۰ - وظایف حوزه عبارتند از :

الف - تشکیل منظم جلسات لااقل ماهی یکبار در مراکز حزب .

ب - بحث در مسائل سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - حزبی و هر مسئله دیگر و پیشنهاد طرحهای مفید .

پ - اجرای دستورات و تعلیمات حزبی .

ت - تهیه و تنظیم صورت جلسات و ارسال آنها برای مراجع مسئول حزب .

سازمان محلی حزب

ماده ۱۱ - حزب در هر محل بوسیله یک کمیته محلی اداره خواهد شد . محل به قسمتی از شهرستان یا شهر یا حومه شهر یا مراکز اجتماعی کارگران و کشاورزان اطلاق می شود که به تشخیص مسئول تشکیلات شهرستان مربوط ، تشکیل سازمان حزب در آن لازم باشد و یا حداقل ده حوزه در آن محل تشکیل شده باشد .

ماده ۱۲ - کمیته محلی از ۵ تا ۱۵ نفر تشکیل می شود که سرپرستان حوزه ها از بین

اعضاء حزب ساکن آن محل برای مدت یکسال انتخاب خواهند کرد. اولین کمیته هر محل می تواند بنا به پیشنهاد مسئول تشکیلات شهرستان مربوط از طرف کمیته حزب شهرستان یکبار و برای مدت یکسال منصوب گردد.

ماده ۱۳ - کمیته محلی در اولین جلسه خود یک رئیس - یک نایب رئیس - یک منشی و یک مسئول مالی انتخاب خواهد کرد.

رئیس کمیته محلی علاوه بر اداره جلسات کمیته رابط سازمان محلی حزب و سازمان شهرستان خواهد بود.

ماده ۱۴ - وظائف کمیته محلی عبارتند از:

الف - تشکیل جلسه حداقل هر پانزده روز یکبار.

ب - جمع آوری گزارش های رسیده از حوزه ها و ارسال آن به سازمان شهرستانی حزب.

پ - ابلاغ دستورهای حزبی به حوزه ها از طریق سرپرستان حوزه.

ت - تهیه گزارش حضور و غیاب اعضاء و وضع انضباطی و اجتماعی آنان و ارسال گزارش های منظم به سازمان شهرستانی حزب.

سازمان شهرستانی حزب

ماده ۱۵ - سازمان حزب در هر شهرستان بوسیله (شورا و کمیته) حزب در آن شهرستان اداره می شود.

تبصره: برای هر یک از مناطق و بخش های کشور با تصویب دبیرکل می توان سازمان شهرستانی مستقلی تشکیل داد.

شورای شهرستان

ماده ۱۶ - تعداد اعضاء شورای حزب در هر شهرستان با توجه به تعداد اعضاء حزب و جمعیت آن شهرستان از طرف مسئولین امور تشکیلات شهرستان ها پیشنهاد و

پس از تصویب دبیرکل تعیین می گردد. تعداد اعضاء شورای شهرستان حزب نباید هیچگاه از ۲۱ نفر کمتر و از یکصد نفر زیادتر باشد مگر در مورد شورای حزب در تهران

که عده آن تا یکصد و پنجاه نفر می تواند باشد.

ماده ۱۷ - اعضاء شورای حزب در هر شهرستان با رای اعضاء حزب در همان شهرستان بموجب آئین نامه ای که بتصویب کمیته مرکزی خواهد رسید برای مدت

دو سال انتخاب می شوند و انتخاب مجدد آن بلامانع است.

ماده ۱۸ - شورای حزب در هر شهرستان در اولین جلسه خود که به ریاست مسن ترین عضو شورا تشکیل می شود یک رئیس - دو نایب رئیس - دومنشی برای مدت یک سال انتخاب خواهد کرد. تجدید انتخاب هیأت رئیسه بلامانع است.

ماده ۱۹ - وظائف شورای شهرستان عبارتند از:

الف - تشکیل جلسه لااقل هر سه ماه یکبار.

ب - انتخاب اعضاء کمیته شهرستان برای مدت یک سال.

پ - نظارت در اجرای دستورات حزبی و همچنین رسیدگی به گزارش کمیته شهرستان.

ت - تهیه گزارش از فعالیت های حزبی شهرستان و ارسال آن به امور تشکیلات شهرستانها حداقل هر شش ماه یکبار.

ث - انتخاب نمایندگانی که باید در کنگره شرکت نمایند.

ج - انتخاب پنج نفر از اعضاء شورا برای عضویت کمیسیون پذیرش.

چ - تشکیل جلسه مشترك با کلیه اعضاء کمیته های محلی بمنظور بررسی نحوه فعالیت حزب در سطح شهرستان هر شش ماه یکبار.

ماده ۲۰ - هرگاه در هر یک از مناطق کشور موجبات تشکیل واحد مستقل حزبی برای اولین بار فراهم شده باشد برای شروع فعالیت دبیرکلی می تواند اولین شورای حزبی را با توجه به ماده ۱۵ برای مدت دو سال از بین اعضاء حزب آن منطقه تعیین نماید.

ماده ۲۱ - بمنظور بررسی نحوه فعالیت حزب و ایجاد هم آهنگی جلسه مشترك شوراهای شهرستان هر استان سالی یکبار زیر نظر سازمان مرکزی حزب در یکی از شهرستان های آن استان تشکیل می شود.

کمیته شهرستان

ماده ۲۲ - کمیته حزب در هر شهرستان تشکیل می شود از هفت تا یازده نفر عضو که شورای شهرستان مربوط از بین خود برای مدت یک سال انتخاب می کند بعلاوه چهار نفر مسئولان تشکیلات، تبلیغات، مالی و اداری، که به پیشنهاد رئیس کمیته و تصویب کمیته از بین اعضاء حزب برای همان مدت انتخاب می شوند. کمیته شهرستان

تا تشکیل شورای جدید و انتخاب کمیته جدید به وظائف خود عمل خواهد کرد .
 ماده ۲۳ - اعضاء منتخب شورا برای کمیته شهرستان در اولین جلسه خود یک
 رئیس ، دو نایب رئیس ، دو منشی برای مدت یکسال انتخاب خواهد کرد .
 ماده ۲۴ - رئیس کمیته شهرستان علاوه بر انجام وظائف مقرر رابط سازمان های
 حزبی آن شهرستان با سازمان مرکزی حزب و دبیرکل خواهد بود .
 ماده ۲۵ - وظائف کمیته شهرستان عبارتند از :
 الف - تشکیل جلسات حداقل هر پانزده روز .
 ب - رسیدگی به امور کمیته های محلی مربوط و نظارت در اجرای دستورهای
 حزبی .

پ - تهیه و تنظیم صورت جلسات و تصمیماتی که اتخاذ می شود و ارسال این
 گزارش ها هر سه ماه به شورای شهرستان و سازمان مرکزی حزب
 ت - ارسال گزارش های انضباطی و اجتماعی رسیده از کمیته های محلی به سازمان
 مرکزی حزب .

تبصره : چنانچه کمیته های محلی انتخاب نشده باشند کمیته شهرستان رأساً باید در
 تهیه گزارش های انضباطی و اجتماعی اعضاء حزب اقدام نماید .

سازمان مرکزی حزب
 ماده ۲۶ - ارگان سازمان مرکزی حزب عبارتند از :

۱ - کنگره .

۲ - شورای عالی

۳ - کمیته مرکزی .

۴ - دبیرکل .

۵ - هیأت بازرسی .

۶ - فراکسیونهای پارلمانی .

کنگره

ماده ۲۷ - کنگره عالیترین مرجع حزب است .

ماده ۲۸ - کنگره حزب هر چهار سال یکبار با شرکت نمایندگان منتخب شوراهای
 حزبی هر شهرستان تشکیل می شود حداقل سه ماه قبل از پایان دوره شورای عالی از

طرف دبیرکل تاریخ انعقاد آن تعیین می گردد ولی در هر حال کنگره باید یک ماه قبل از پایان دوره شورای عالی تشکیل شود.

تبصره: در مواقع ضروری شورای عالی می تواند با تصویب دوثلث اعضاء حاضر در جلسه به پیشنهاد کمیته مرکزی یا دبیرکل یا هیأت بازرسی و یا یک ثلث اعضاء شورای عالی کنگره فوق العاده را دعوت نماید. دستور جلسه کنگره فوق العاده را شورای عالی تعیین و در دعوتنامه قید خواهد شد.

ماده ۲۹ - دبیرکل به تناسب فعالیت و عده اعضاء حزب و جمعیت هر شهرستان تعداد نمایندگان آن شهرستان را برای شرکت در کنگره تعیین و پس از تصویب کمیته مرکزی به شورای شهرستان مربوط جهت انتخاب و معرفی نمایندگان ابلاغ خواهد کرد. شورای شهرستان مکلف است ظرف مدت چهل و پنج روز از تاریخ صدور دعوت نامه نمایندگان کنگره را با توجه به سابقه میزان فعالیت و اطلاعات علمی و تجربی تعیین و معرفی نماید، چنانچه شورای شهرستان در مدت مقرر نمایندگان خود را معرفی نکرد دبیرکل می تواند از میان اعضای حزب آن شهرستان، نمایندگان کنگره را با توجه به سابقه و میزان فعالیت اطلاعات علمی و تجربی تعیین و معرفی نماید چنانچه شورای شهرستان در مدت مقرر نمایندگان خود را معرفی نکرد، دبیرکل می تواند از میان اعضای حزب آن شهرستان نمایندگان کنگره را انتخاب و معرفی نماید.

تبصره: حداکثر نمایندگان که از هر شهرستان می توانند در کنگره شرکت نمایند برای هر یکصد هزار نفر جمعیت بیست نفر خواهد بود.

ماده ۳۰ - جلسه کنگره بوسیله رئیس سنی افتتاح می گردد و پس از انجام تشریفات لازم هیأت رئیسه خود را مرکب از یک رئیس و دو نایب رئیس و شش منشی انتخاب می نمایند.

ماده ۳۱ - وظائف کنگره عبارت است از:

- ۱ - استماع گزارش دبیرکل و بررسی و اظهار نظر نسبت به آن.
- ۲ - انتخاب و تعیین کمیسیونهای بررسی گزارش دبیرکل و اصلاح مرامنامه و اساسنامه و رسیدگی به پیشنهادها و تهیه قطعنامه و دیگر کمیسیونهایی که از طرف هیأت رئیسه کنگره ضروری تشخیص داده شود.

۳ - تعیین خط مشی آینده حزب.

- ۴ - انتخاب دویست نفر برای عضویت در شورای عالی حزب .
- ۵ - اصلاح و تغییر مرامنامه و اساسنامهٔ حزب به پیشنهاد شورای عالی .
- ۶ - رسیدگی و اظهار نظر نسبت به پیشنهادهای جدید که از طرف حداقل یکصد نفر از اعضای شرکت کننده در کنگره پیشنهاد می شود .
- ماده ۳۲ - تعداد اعضای شورای عالی از هر استان ، فرمانداری کل و پایتخت طبق جدول پیوست این اساسنامه تعیین خواهند شد .
- تغییرات در جدول مزبور متناسب با فعالیت و عدهٔ اعضای حزب و جمعیت هر منطقه باید به تصویب شورای عالی برسد .
- ماده ۳۳ - جلسات کنگره حضور نصف بعلاوه یک اعضای کنگره تشکیل و تصمیمات با اکثریت نسبی قابل اجراء خواهد بود مگر در مورد اصلاح و تغییر مرامنامه که دوثلث آراء موافق اعضای کنگره ضروری است .
- ماده ۳۴ - اعضاء شورای عالی و به همان تعداد علی البدل ایشان از هر استان یا فرمانداری کل یا پایتخت به تعداد مصرّح در جدول ماده ۳۲ بنابه معرفی اعضاء کنگره از همان منطقه با تصویب نهایی کنگره انتخاب خواهند شد و در صورت فوت ، استعفا یا اخراج هر یک علی البدل او به عضویت شورای عالی برگزیده می شود .
- شورای عالی
- ماده ۳۵ - شورای عالی حزب مرکب است از :
- ۱ - دویست نفر از اعضای منتخب کنگره که بر طبق اساسنامه برای مدت چهارسال انتخاب می شوند .
- ۲ - وزرای و استانداران حزبی و رؤسای فراکسیون های پارلمانی حزب در مجلسین سنا و شورا .
- ۳ - معاونان دبیرکل و سرپرستان سازمان های حزب در استان ها بدون حق رأی در جلسه شرکت خواهند کرد .
- ۴ - حداکثر پنجاه نفر از اعضای فراکسیون حزب در مجلس شورای ملی به انتخاب ورأی اعضای آن فراکسیون .
- ۵ - حداکثر پانزده نفر از اعضای فراکسیون حزب در مجلس سنا بانتخاب ورأی اعضاء آن فراکسیون .

ماده ۳۶ - اولین جلسه شورای عالی بوسیله رئیس سنی افتتاح می شود و بلافاصله هیأت رئیسه شورای عالی مشتمل بر یک رئیس و دونایب رئیس و چهارمنشی برای مدت یکسال انتخاب خواهند شد.

ماده ۳۷ - نحوه کار شورای عالی به موجب آئین نامه ای خواهد بود که باید به تصویب خود شورای عالی برسد.

ماده ۳۸ - اعضاء شورای عالی تا تشکیل کنگره بعدی و انتخاب اعضاء جدید و وظائف خود را انجام خواهند داد.

ماده ۳۹ - وظائف شورای عالی عبارتند از:

- ۱ - انتخاب دبیرکل برای مدت چهار سال.
- ۲ - انتخاب ده نفر اعضاء کمیته مرکزی برای مدت یکسال.
- ۳ - انتخاب هفت نفر عضو هیئت بازرسی برای مدت یکسال.
- ۴ - رسیدگی و تصویب برنامه های حزبی که از طرف دبیرکل پیشنهاد می شود.
- ۵ - بررسی و اظهار نظر نسبت به گزارش های کمیته مرکزی و هیئت بازرسی.
- ۶ - تصویب آئین نامه های حزبی که از طرف کمیته مرکزی پیشنهاد می شود.
- ۷ - تصویب دستور جلسه کنگره.

ماده ۴۰ - جلسات شورای عالی هر سه ماه یکبار در تهران یا با تصویب هیأت رئیسه شورای عالی هر شهرستانی که دبیرکل پیشنهاد نماید تشکیل خواهد شد.

تبصره: دبیرکل با کمیته مرکزی و یا یک سوم اعضاء شورای عالی و یا هیأت بازرسی می توانند تقاضای تشکیل جلسه فوق العاده شورای عالی را بنمایند و در این صورت رئیس شورای عالی اقدام به تشکیل جلسه خواهد کرد.

ماده ۴۱ - جلسات شورای عالی با حضور نصف بعلاوه یک عده اعضاء رسمیت خواهد یافت و تصمیمات با اکثریت آراء حاضرین در جلسه اتخاذ می گردد.

ماده ۴۲ - دبیرکل حزب بالاترین مقام اجرایی و اداری حزب است و برای رسیدن به هدف های مندرج در مرامنامه و بر طبق این اساسنامه و آئین نامه های اجرایی آن و مصوبات و قطعنامه های کنگره و شورای عالی با ایجاد تشکیلات و سازمان های لازم حزب را اداره می کند و در برابر شورای عالی مسئول و بنام و از طرف حزب حق اعضاء داشته و دارای وظائف و اختیارات زیر می باشد:

- ۱ - نماینده تام‌الاختیار حزب در مراجع قضائی و غیر قضائی با حق توکیل غیر ولو بکرات با حق انتخاب نماینده و تفویض اختیارات لازم به وکیل یا نماینده مزبور.
 - ۲ - تعیین کلیه مسئولان سازمان‌ها و ارگان‌های اجرایی اداری و مطالعاتی حزب با حق عزل و نصب و تفویض قسمتی از اختیارات خود به آنان.
 - ۳ - استخدام کارمندان اداری و متخصصان و تعیین میزان حقوق آنان و ارتقاء و اعطای پاداش و اضافه حقوق و مزایا و برکناری آنان.
 - ۴ - تنظیم اعتبارات و دخل و خرج حزب و نظارت در اجرای صحیح آن پس از تصویب کمیته مرکزی.
 - ۵ - تهیه و تنظیم آئین‌نامه‌ها و برنامه فعالیت‌ها و صورت‌کандیداهای حزبی در انتخابات عمومی کشور و پیشنهاد آن برای تصویب به کمیته مرکزی.
- ماده ۴۳ - در صورت استعفا یا فوت دبیر کل رئیس شورای عالی و وظائف او را موقتاً عهده‌دار می‌شود و رئیس شورای عالی مکلف است حداکثر سه ماه از تاریخ استعفاء یا فوت دبیر کل جلسه شورای عالی را برای انتخاب دبیر کل جدید دعوت نماید. شورای عالی یک نفر از اعضاء خود را تا تشکیل کنگره بعد به سمت دبیر کل حزب انتخاب خواهد کرد.
- کمیته مرکزی
- ماده ۴۴ - کمیته مرکزی مرکب است از:
- ۱ - دبیر کل
 - ۲ - رئیس شورای عالی
 - ۳ - رئیس هیأت بازرسی
 - ۴ - روسای فراکسیونهای پارلمانی حزب در مجلسین
 - ۵ - ده نفر از اعضاء شورای عالی به انتخاب شورای عالی
 - ۶ - نخست وزیر حزبی و دو نفر از وزرای حزبی به انتخاب وزرای حزبی
- تبصره: کمیته مرکزی و دبیر کل می‌توانند هر یک از مسئولان اجرایی را برای حضور در جلسه کمیته مرکزی دعوت بنمایند.
- ماده ۴۵ - کمیته مرکزی در اولین جلسه خود یک رئیس و دو نایب رئیس و دو منشی انتخاب خواهد کرد.

ماده ۴۶ - نحوه اداره جلسات و امور داخلی کمیته مرکزی بموجب آئین نامه ای خواهد بود که باید به تصویب خود کمیته مرکزی برسد.

ماده ۴۷ - وظائف کمیته مرکزی بشرح زیر است:

- ۱ - بررسی او اظهار نظر نسبت به کلیه مسائل سیاسی روز.
- ۲ - بررسی او اظهار نظر نهایی نسبت به کلیه طرحها و برنامه هایی که کمیته های فنی و تحقیقاتی حزب تهیه و از طرف دبیرکل به کمیته مرکزی پیشنهاد می شود.
- ۳ - تعیین خط مشی کلی فراکسیونهای پارلمانی.
- ۴ - بررسی و اظهار نظر نهایی نسبت به طرحها و لوایحی که از طرف حزب تقدیم قوه مقننه خواهد شد.

۵ - بررسی و اظهار نظر نسبت به پیشنهادهای حوزه ها که در کمیته های فنی و تحقیقاتی یا کمیسیونهای خاص مطالعه شده است.

۶ - بررسی پیشنهادهائی که در مورد تغییر مرامنامه و اساسنامه از طرف دبیرکل مطرح می گردد.

۷ - رسیدگی به اعتبارات و دخل و خرج حزب.

۸ - بررسی و تصویب آئین نامه هائیکه از طرف دبیرکل پیشنهاد می شود. مگر آنکه در این اساسنامه نحوه دیگری برای تصویب آن در نظر گرفته شده باشد.

۹ - بررسی و اظهار نظر نسبت به کلیه مسائل حزبی که از طرف دبیرکل پیشنهاد می شود.

ماده ۴۸ - جلسات عادی کمیته مرکزی حداقل ماهی دو بار تشکیل می گردد، دبیرکل یا رئیس کمیته مرکزی و یا نخست وزیر حزبی می توانند جلسه فوق العاده کمیته مرکزی را دعوت نمایند.

ماده ۴۹ - جلسات کمیته مرکزی با نصف بعلاوه یک اعضای رسمیت خواهد یافت. و تصمیمات با اکثریت آرای حاضرین در جلسه اتخاذ خواهد شد.

هیئت بازرسی

ماده ۵۰ - هیأت بازرسی از هفت نفر تشکیل می شود که با رأی مستقیم و مخفی شورای عالی و از بین اعضاء آن شورا برای مدت یکسال انتخاب می شوند.

ماده ۵۱ - هیأت بازرسی در اولین جلسه از بین خود یک رئیس و یک نایب رئیس و

یک منشی برای مدت یک سال انتخاب می نماید.

ماده ۵۲- وظائف هیأت بازرسی بقرار زیر است:

۱- بازرسی و اظهار نظر بطرز کار کلیه سازمانهای حزبی و گزارش به دبیرکل و شورای عالی.

۲- نظارت بر حسن جریان کلیه انتخابات داخلی حزب در سراسر کشور.

۳- رسیدگی به تخلفات حزبی اعضاء و سازمانهای حزبی و بررسی و اظهار نظر نسبت به شکایاتی که به هیأت بازرسی ارسال می شود.

۴- تطبیق تخلفات حزبی اعضاء و سازمانهای حزبی با آئین نامه انضباطی و درخواست تنبیه افراد و مسئولان طبق مواد آئین نامه.

۵- رسیدگی به دفاتر حسابداری و تطبیق هزینه های انجام شده با اعتبارات مصوب.

۶- رسیدگی و اظهار نظر در مورد کلیه امور محوله از طرف دبیرکل.

ماده ۵۳- هیأت بازرسی می تواند برای تسهیل کارهای خود نمایندگان در شهرستان از بین اعضاء شورا حزبی شهرستان و همچنین می تواند نمایندگان از بین اعضاء حزب برای اعزام به شهرستانها انتخاب نماید و این نمایندگان مستقیماً مسئول هیأت بازرسی خواهند بود.

ماده ۵۴- اعضاء هیأت بازرسی و نمایندگان آن نمی توانند مسئولیتهای اجرائی در حزب عهد دار شوند.

ماده ۵۵- هیأت بازرسی برای انجام وظائف خود می تواند به مکاتبات، دفاتر حسابداری و صورتجلسات حزب از طریق دبیر کل دسترسی پیدا کند بدون ایجاد وقفه در امور اجرائی حزب.

ماده ۵۶- هرگاه فعالیت شورا یا کمیته حزب در هر شهرستان کافی تشخیص داده نشود و مراتب مورد تأیید هیأت بازرسی قرار گیرد دبیرکل پس از تصویب کمیته مرکزی سازمان حزبی مربوط را منحل و اقدام به تجدید انتخاب خواهد کرد.

فراکسیونهای پارلمانی

ماده ۵۷- فراکسیون پارلمانی حزب تشکیل می شود از اعضاء حزب که نماینده یکی از دو مجلسین قانونگذاری باشند.

ماده ۵۸ - فراکسیون پارلمانی حزب در هریک از دو مجلس مجری سیاست عمومی حزب و تصمیمات کمیته مرکزی که از طرف دبیرکل ابلاغ می شود می باشند و چنانچه بعلت فوریت تشکیل کمیته مرکزی مقدور نباشد مجری تصمیمی است که بوسیله دبیرکل حزب اتخاذ می شود.

ماده ۵۹ - فراکسیون پارلمانی دارای یک رئیس، دونایب رئیس و دو منشی است که برای مدت یک سال با آرای مستقیم اعضای فراکسیون انتخاب می شوند و تجدید انتخاب آنان بلامانع است.

ماده ۶۰ - کلیه لوایحی که دولت حزبی تقدیم مجلس خواهد کرد باید قبلاً در فراکسیون پارلمانی مطرح و نظریات اعضاء فراکسیون نیز برای اخذ تصمیم نهائی در اختیار کمیته مرکزی حزب قرار گیرد و همچنین لوایحی که سایر دولتها تقدیم مجلسین می کنند باید بموقع در فراکسیون پارلمانی مطرح و نظریات اعضاء فراکسیون همراه با نظریات کمیسیونهای اختصاصی برای اخذ تصمیم و اتخاذ رویه توسط رئیس فراکسیون در اختیار دبیر کل قرار گیرد تا در کمیته مرکزی مطرح شود.

ماده ۶۱ - در مواقع ضروری و فوری در مجلس اعضاء فراکسیون از تصمیم رئیس فراکسیون و در غیاب او از یکی از نواب رئیس تبعیت خواهند کرد.

۶۲ - اداره جلسات فراکسیون و سایر امور پارلمانی مربوط بموجب آئین نامه ای خواهد بود که به تصویب فراکسیون پارلمانی خواهد رسید.

۶۳ - انتخاب مجدد هیأت رئیسه و اعضاء هریک از سازمانها و ارگانهای حزب بلامانع است.

این اساسنامه مشتمل بر ۶۳ ماده و ۸ تبصره در جلسه مورخ بیست و هفتم مهرماه ۱۳۵۳ شورای عالی حزب به تصویب رسید.

رئیس شورای عالی حزب مردم محمد فضائلی

سند شماره ۱۲، ۵ برگ

مرامنامه

قسمت اول - اصول عقاید سیاسی

ماده ۱ - استقلال ملی

حزب مردم مدافع استقلال ملی و حافظ تمامیت ارضی و جغرافیائی ایران است و

بهمین سبب با کلیه عواملی که هر گونه خدشه ای به این اصل وارد سازند مبارزه می کند.
ماده ۲ - نظام حکومت

حزب مردم معتقد به حکومت دموکراسی در قالب نظام مشروطه سلطنتی مصرح در قانون اساسی تحت رهبری شاهنشاه می باشد.

ماده ۳ - روابط خارجی

حزب مردم اعتقاد دارد که اصول منشور ملل متحد باید حاکم به روابط بین المللی باشد و کلیه اختلافات کشورها بر این اساس حل و فصل گردد.

استعمار که به هر نام و به هر صورت مایه ننگ جامعه بشری و موجب تذلیل شخصیت انسانی است باید از عرصه زمین زدوده شود.

کلیه روشها و آثار استعماری باید از میان برود و صلح جهانی توأم با آزادی و رفاه برقرار گردد.

قسمت دوم - اصول عقاید اقتصادی

ماده ۴ - حزب مردم برای استفاده بهتر و هر چه بیشتر از کلیه منابع طبیعی و صنعتی کشور ارشاد اقتصادیات را وظیفه دولت می داند و سرمایه گذاری خصوصی را تا حدی که از یک طرف خطر انحصار نداشته باشد و از طرف دیگر منجر به تفرقه سرمایه های ملی نشود حمایت و تقویت می نماید.

بخش کشاورزی

ماده ۵ - حزب مردم اصول زیر را در کشاورزی لازم الاجرا می داند:

الف - بهره برداری صحیح اقتصادی و علمی از منابع طبیعی کشور بر اساس نظام

مترقی کشاورزی

ب - جلوگیری از خرد شدن یا بزرگ شدن واحدهای کشاورزی بنحوی که از یک طرف تبدیل به واحدهای غیر اقتصادی زراعی نشوند و از طرف دیگر وسیله سوء استفاده از کار دیگران نگردند.

پ - تعیین قیمت مناسب برای فرآورده های کشاورزی مورد نیاز عمومی آنچنان که با خرید این قبیل محصولات توسط دولت حداقل زندگی برای روستائیان فراهم گردد و با تثبیت نرخ فروش دولتی از نوسانات قیمت محصولات کشاورزی جلوگیری به عمل آید.

بخش صنایع

ماده ۶ - حزب مردم عقیده دارد که اصول زیر در اداره و توسعه صنایع کشور باید حکومت کند .

الف - تدوین برنامه های اقتصادی بر اساس صنعتی شدن کشور .

ب - ملی کردن صنایع سنگین و صنایع آهن و فلزات قیمتی - مواد رادیو آکتیو و هیدروکربورها

پ - سرمایه گذاری در صنایع سبک بنحویکه اولاً تولید در جهت تأمین احتیاجات باشد، ثانیاً به منظور جلوگیری از تجاوز بحقوق مصرف کننده نرخ فرآورده های صنعتی کنترل و تثبیت گردد و ثالثاً نیروی کار انسانی در اسارت سایر عوامل تولید نبوده و سهم عادلانه هر کدام مشخص باشد .

بخش بازرگانی

ماده ۷ - در امور بازرگانی اصول زیر راهنمای حزب مردم می باشد :

الف - سیاست بازرگانی باید بر اساس حمایت فرآورده های داخلی استوار باشد بنابراین ورود کالاهائیکه مشابه آنها در کشور تهیه گردد و همچنین کالاهای غیر ضروری باید ممنوع شود .

ب - بازرگانی خارجی در کنترل دولت خواهد بود و بازرگانی داخلی با راهنمایی دولت با بخش خصوصی است .

بخش پولی و مالی

ماده ۸ - حزب مردم سیاست پولی و مالی خود را بر اصول زیر استوار ساخته است :

الف - حفظ ارزش واحد پول رایج کشور نخستین مأموریت نظام پولی می باشد و پیوسته باید موازنه پرداختها در روابط مالی بین المللی رعایت گردد و بانکداری در داخل کشور باید منحصرأ بر اساس تسهیل روابط مالی اشخاص باشد .

ب - هدف سیاست مالیاتی باید جلوگیری از رکود سرمایه های خصوصی و کمک بتأمین رشد مداوم اقتصادی و تعدیل ثروت باشد .

قسمت سوم - اصول عقاید اجتماعی :

ماده ۹ - حزب مردم معتقد است که با تعمیم عدالت اجتماعی و تأمین آزادیهای فردی باید در جامعه شرایطی بوجود آید که امکان بروز و پرورش و استفاده از استعدادها را

بطور مساوی و بنحوی که شایسته لیاقت هر فرد است فراهم سازد و به هر حال منافع جامعه را بر منافع فرد مقدم می شمارد.
فرهنگ

ماده ۱۰ - تحکیم مبانی دینی و اخلاقی و تعمیم آموزش مجانی ابتدائی و ترویج و تسهیل آموزش حرفه ای و متوسطه و تشخیص و پرورش استعداد های علمی - فنی و هنری جهت ادامه تحصیلات دانشگاهی بقسمی که فرزندان و وطن همگی بتوانند استعدادهای خود را ظاهر سازند و جامعه از وجود افراد کاردان و دانشمند برای تأمین نیازمندی های خود بهره مند گردد.

بهداشت و بهداشتی

ماده ۱۱ - تأمین موجبات درمان همگانی مجانی از طریق تعمیم بیمه های اجتماعی و ملی و سپردن تدریجی آن به بخش های خصوصی و محلی با نظارت کامل دولت در امر دارو و درمان

ماده ۱۲ - حزب مردم اعتقاد دارد کلیه افراد ایرانی در برابر پیری - بیماری - بیکاری و از کار افتادگی بیمه شوند.

اداره جمعیت

ماده ۱۳ - جمعیت کشور بر حسب برنامه های ملی - کشاورزی و اقتصادی و رعایت اصول علمی و فنی در تأمین احتیاجات زندگی جدید در مناطق مختلف مستقر گردد.
امور اداری

ماده ۱۴ - تجدیدنظر در اصول تشکیلات اداری بر اساس عدم تمرکز و سپردن کارهای مردم به مردم با تقسیم و تعیین حدود مسئولیت های محلی در برابر قوای مرکزی.

ماده ۱۵ - حزب مردم طبقات مولد ثروت بویژه کشاورزان و کارگران را مورد حمایت خود قرار می دهد و برای رفع نیازمندی و تأمین آسایش آنان کوشش لازم را بکار خواهد برد.
تربیت بدنی

ماده ۱۶ - حزب مردم در راه تأمین تندرستی و نیرومندی افراد جامعه بوسیله توسعه سازمان های ورزشی بمنظور استفاده کلیه افراد کشور کوشش خواهد کرد.

نیروی دفاعی

ماده ۱۷ - قوای تأمینیه برای حفظ امنیت داخلی و نیروهای دفاع ملی مادام که صلح جهانی بین المللی عملی نشده برای مقابله با هر گونه تجاوز باید کاملاً تقویت شود.

سند شماره ۱۴

جناب اسدالله علم دبیرکل حزب مردم
از تبریکات و ابراز احساسات صمیمانه شما بمناسبت روز ۱۵ بهمن خرسندی و
رضامندی خاطر حاصل گردید عنایات و توجهات مخصوصه ما را به اعضای شورای
مرکزی و افراد حزب مردم ابلاغ نمائید.

شاه، ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۶

این دستخط شاهانه در پاسخ عریضه تلگرافی حزب بمناسبت روز ۱۵ بهمن به
افتخار دبیرکل حزب شرفصدور یافته است.

سند شماره ۱۵

پروفسور یحیی عدل دبیرکل حزب مردم اظهار داشته علت واقعی استعفای من این
بود که پس از نطق شاهنشاه در کنگره کشاورزان پیرامون عدم پیروزی نقش احزاب، نظر
معظم له را درباره ادامه فعالیت‌های حزبی بدانم به این معنی که مخصوصاً استعفا دادم و
قصد اصلی من این بود که اگر اعلیحضرت علت استعفایم را پرسیدند استعفایم را پس
بگیرم ولی اگر برای ایشان بی تفاوت بود دیگر گرد فعالیت حزبی نگردم و چون اتفاقاً
اعلیحضرت در این مورد از من توضیح خواستند و من استنباط کردم که ایشان مایل به
ادامه فعالیت من در حزب مردم هستند استعفای خود را پس گرفتم. محسن موقر افزود
که پروفسور عدل همچنین گفت که وی قلباً و باطناً مایل به ادامه کار در حزب مردم
نیست زیرا او مانند آقای علم خیال نخست وزیری ندارد که حاجتی بدارو دسته داشته
باشد و ادامه این کار جز اتلاف وقت برای او خاصیتی نخواهد داشت ولی منتظر امر
صریح اعلیحضرت است که از این کار معافش دارند. پروفسور عدل همچنین از عدم
پرداخت تعهدات مالی و حق عضویت از طرف اعضای حزب اظهار نارضایتی کرد و
گفت اگر این وضع ادامه پیدا کند حتی قبل از انتخابات آینده یا حزب را منحل خواهم
کرد و یا شخصاً برای همیشه و بطور کاملاً جدی از رهبری حزب استعفا خواهم داد.
ناگفته نماند که بمناسبت نزدیکی انتخابات رفت و آمد به حزب مردم بیشتر شد و افراد
حزب بمسائل حزبی توجه و علاقه بیشتری پیدا کرده اند ولی جز عده بسیار معدود بقیه
حاضر نیستند تعهدی را که از لحاظ مالی در قبال حزب دارند انجام بدهند و حق
عضویت خود را بپردازند و بهمین جهت پرداخت مال الاجاره کلوپ حزب بتعویق افتاده

و موجر این ساختمان، پروفیسور عدل و مهندس سعید هدایت را سخت تحت فشار قرار داده است.

در حزب مردم این نکته نیز قابل ذکر است که اخیراً در زعمای حزب این فکر پیش آمده است که مهندس سعید هدایت قائم مقام دبیر کل حزب بکار اداره امور یک حزب سیاسی نمی خورد و عده ای در خفا مشغول فعالیت هستند تا او را معزول و کس دیگری را بجایش انتخاب کنند. این عده روی جاننشینی قائم مقام فعلی حزب هنوز توافق نکرده اند و فعلاً روی دونفر بیشتر از سایرین بحث است که اولی مهندس کاظم جفرودی و دومی دکتر دفتری است. اعتقاد عمومی بر این است که مهندس جفرودی قائم مقام مناسب و پرکار و مطلعی برای دبیر کلی حزب خواهد بود ولی اشکال بر سر اینست که نخست وزیر فعلی با او موافق نیست و بیم آن می رود که انتخاب او باین سمت سبب جدائی بیشتر دولت و حزب بشود.

گیرندگان: سه نسخه در بخش ۳۱۲ - اداره سوم - اداره دوم.

تعداد نسخه: ۵ نسخه

سند شماره ۱۶

شورای عالی حزب مردم

شورای عالی حزب مردم در ساعت ۱۶۳۰ مورخه ۵۱/۵/۳ با حضور پرفیسور عدل، سپهبد وره رام، سناتور علامه وحیدی، هلاکورا امید و سایر اعضای شورای عالی تشکیل جلسه داد. در این جلسه علینقی کنی ضمن گزارش فعالیتها و اقدامات خود برای پیشرفت حزب مردم و تشکر از همکاری اعضا و حزب استعفای خود را از مقام دبیر کلی تسلیم شورای عالی نمود و علت استعفاء خود را ضعف و بیماری اعلام کرد. آقایان مهندس والا و محمد اسدی ضمن تمجید و تعریف از کارهای علینقی کنی گفتند؛ آقای دکتر کنی در جهت اعتلای حزب اقدامات مؤثری کرده و با صدای بلند اعلام کردند شورای عالی این استعفا را نمی پذیرد و درخواست کردند ایشان در سمت خود باقی بماند. اسدی گفت شما قرار بود به آذربایجان مسافرت کنید. جواب مردم آذربایجان را چه خواهید داد و ما جواب مردم را چه باید بدهیم. دکتر کنی از دادن پاسخ به سؤالات مهندس والا و اسدی خودداری کرد، پرفیسور عدل ضمن سخنرانی کوتاهی از تصمیم به

استعفای دبیر کل حزب اظهار بی اطلاعی نمود و از کنی خواست که تا انتخاب دبیر کل جدید در سمت دبیر کلی باقی بماند و وظایف دبیر کلی را انجام دهد، در پایان جلسه چند نفر از هلاکور رامبد خواستند که کنی را از استعفا منصرف نماید ولی رامبد اظهار داشت موضوع کاملاً قطعی و خاتمه یافته است و استرداد استعفای ایشان عملی نخواهد بود. در خاتمه بنا به تقاضای کنی اختیارات دبیر کل به پروفیسور عدل تعویض شد.

نظریه شنبه: علل استعفای کنی

۱- علیبنقی کنی از اینکه عده‌ای از اعضاء مؤثر حزب بدون اطلاع به ملاقات پروفیسور عدل رفته اند نزد دکتر موتمنی گله نموده و گفته است این کارها موجب تضعیف من در حزب می شود.

۲- ساعت ۲۱ مورخه ۵۱/۵/۲ علیبنقی کنی به موتمنی گفته است که قبل از ساعت ۲۳۰۰ امروز باید شرفیاب شوم ممکن است در این شرفیابی به وی تکلیف شده است که استعفاء بدهد چون تا قبل از این شرفیابی هیچ گونه آثاری از استعفای کنی مشاهده نشده و قصد مسافرت آذربایجان داشته است.

۳- عده‌ای از اعضاء حزب معتقدند که کنی در میتینگ‌های حزبی در اصفهان انتقادات شدیدی کرده و ممکن است استعفای وی بهمین علت باشد.

۴- بعضی از دوستان کنی معتقدند که کنی با این استعفا برای خود حفظ اعتبار کرده است. چون مردم پی خواهند بود که کنی اهل سازش نیست و با دولت تباری نمیکند. زیرا اعلام کرده بود که اگر انتخابات آزاد باشد. انتخابات را رسماً تحریم خواهد کرد (منظور انتخابات انجمن‌های شهر و شهرستان است).

۵- عده‌ای دیگر می گویند هر وقت حزب مردم خواسته است جنبشی نموده و تحرکی پیدا کند و فعالیت سیاسی مؤثری بنماید از طرف مقامات سرکوب شده است و این استعفا هم ضربه‌ای بود برای جلوگیری از تحرك و فعالیت حزب مردم.

نظریه چهارشنبه: گزارش خبر مورد تأیید است و مفاد نظریه شنبه که مبتنی بر اظهارات اعضاء حزب و شایعات می باشد قابل بررسی است.

حزب مردم

حزب در سکوت مطلق بسر می برد. بعضی ها می گویند حیف نیست که اینهمه خرج حزب و اجاره محل می دهند کسی در آن رفت و آمد نمی کنند. بعضی ها می گویند نمی توان در حزب را بست چون یک نان دانی برای یک است و بعضی ها می گویند که حزب برای یک عده خانه شخصی شده و کارهای خصوصی خودشان را انجام می دهند. بعضی ها به اصطلاح گمراه در انتظار تشکیل کنگره حزب هستند که دبیرکل انتخاب شود تا حزب بصورت اولیه خود برگردد ولی تا کنون هیچ خبری از تشکیل کنگره در کار نیست.

در هر صورت تعداد مراجعین روزانه بحزب مردم در آبانماه ۱۰ الی ۱۵ نفر بیشتر نیست و آنها هم کسانی هستند که از بودجه حزب حقوق دریافت می نمایند. هـ.

نظریه چهارشنبه - عدم فعالیت حزب مردم مورد تأیید است. هـ. انجمن

اوضاع حزب مردم در شهرستانها

وضع حزب مردم در شهرستانها جنبه های خاصی پیدا کرده است و در فارس آقای دلائلی قادر به تشکیل سازمان جدیدی نشده و عده ای از انتصاب وی ناراحتی دارند در خوزستان وضع بصورتی درآمده که نامه ها و اعتراضهایی علیه انتصابات جدید بعمل آمده مخصوصاً در منطقه دزفول، اندیمشک و شوش که از طرف دبیرکل آقای قطب و طهماسبی مأموریت هایی یافته اند موجب سر و صداهایی شده و اعتراض افراد حزبی نسبت به این کار بالا گرفته است.

در منطقه شاهرود بلا تکلیف هستند و در سمنان وضع به همین منوال است در تبریز و استان آذربایجان اعتراضها بسیار زیاد است. در گیلان آقای رامبد در صدد است که حزب را به آقای چهاردهی بسپارد و کادر فعلی را کنار بگذارد و ناراحتی اعضای این استان نیز زیاد شده در کرمان که آقای دبیرکل بایستی بخاطر موطن خود در جهت شکل دادن بکارها اقداماتی انجام دهد وضع هنوز مبهم است و اعضای حزب با طرز یکدیگر می گویند آقای دبیرکل اگر شایستگی دارد چرا اول در شهر خودش حزب را تقویت و سامان نمی دهد.

بطور کلی در شهرستانها وضع بصورتی درآمده که موجبات رنجش و کناره گیری اعضای قدیمی را فراهم آورده است.

نظریه چهارشنبه - شنبه از مطلعین امور حزبی است و گزارش وی صحت دارد.

برای تشکیل حزب در تاریخ بیستم فروردین ۲۶ مطالعه شروع گردید .
 بد واسورت جامعهی از افراد تحصیل کرده و خوشنام که دارای افکار روشن بوده و وطن پرستی
 و شاه دوستی خود را در مراحل مختلف به ثبوت رسانیده اند تهیه شد و با اطراف هر یک
 مطالعات کافی بعمل آمد و عده ای که بتوانند بعنوان موسس حزب را تشکیل دهند در
 نظر گرفته شد (با تیم سارسلشگر ختیار هم نسبت بسوا بق هر یک مشورت میگردد) و چنانچه
 مرتبه هم مراتب بعرض جناب آقای نخست وزیر رسید که نسبت با شطص نظر خود رایده اند
 و برای اینکه بتوان نظریه بعضیها را نسبت به تشکیل حزب بدست آورد که در این نعمت -
 چه فکر میکنند و تا چه حد استقبال می نمایند با بعضیها تماس گرفته شد مشاهده گردید که
 اگر این حزب از افراد واقعا خوشنام و وطن دوست و شاه پرست و بیغرض تشکیل شود
 حسن استقبال خواهد شد پس از این بررسیها و مطالعات کافی این اشخاص بوسیله
 تشکیل حزب مناسب بنظر می رسند .

آقای دکتر خا سنا بیانی	آقای دکتر ده ایتی
آقای دکتر کاسمی	آقای دکتر سوره اری
آقای عرب شیبانی	آقای دکتر برهما یون
آقای دکتر برنیا	آقای دکتر صورتگر
آقای مهندس من نروض	آقای صارسی
آقای دکتر عسگری	آقای دکتر نرطه
آقای دکتر ابوالخا	آقای سوره ارفاخر حکمت
آقای دکتر ستوده	آقای دکتر کیهان
	آقای دکتر راه

با بعضی از آقایان مذاکره بعمل آمد و جلسات کوچک تشکیل گردیده و تبادل افکار شد
 که مقدمه برای تشکیل جلسه عمومی شود .

نسبت بمرامنامه ۲۶ نقره مرامنامه های مختلف تحت مطالعه ترا گرفت و چند مرامنامه
 احزاب صالح خارجی مطالعه شد و شرح مرامنامه هم تدوین گردید که زمینه برای مذاکره
 و بحث در جلسات اولیه هیئت موسسین باشد (یک نسخه از طرح مزبور ضمیمه است) در مدت

۲

مسافرت اینجانب آقای دکتر هادی مهدی در بررسی اقدام نسبت باین امر بوده تا اینکه
 قرارند در رفته آینده جلسه عمومی برای تاسیس حزب تشکیل شود .
 طرح بیوست فقط يك مخالفتی است که نسبت به تهیه برنامه شده و حك واصـ صلاح
 زیادى لازم دارد که در جلسات هیئت موسسین مورد بررسی قرار گیرد . ع



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۲۶ - فروردین ۱۳۲۸

الف

۲۴۸

گزارش

مجلس شورای ملی

ع/ب/ل/ر/د

آقای علم وزیر سابق کشور برای جلب همکاری دستجات مختلف و محافل مطبوعاتی با حزب اقلیت شدیداً با فعالیت پرداخته و حتی با جبهه‌نگیر تفضلی و برادرش محمود تفضلی وکیل دادگستری و رسول پرویزی عضو هیئت مدیره شرکت تلفن برای استفاده از روزنامه ایران مابعد عنوان روزنامه ارگان اقلیت مذاکره نموده است ولی نامیردگان با تمام دوستی که با ایشان داشته اند هنوز حاضر بقبول پیشنهاد آقای علم نگردیده و گفته اند چون تکلیف نمایندگی آقای علم روشن نیست و از طرفی هنوز دستجاتی تشکیل نشده است صلاح نمیدانند در آغاز زمامداری آقای دکتر اقبال در روزنامه خود لحن مخالفت آغاز کنند.

ضمناً آقای علم سعی مینماید با تماس با آقای دکتر بقاشی نظر نامبرده را بسوی خود جلب و زمینه همکاری و هماهنگی حزب زحمتکشان ملت ایران را با حزب اقلیت فراهم نماید ولی بقراریکه یکی از نزدیکان دکتر بقاشی میگفت در این مورد و نیز دکتر بقاشی صلاح ندیده در آغاز کار متعایل بشخصی گردد که هنوز قدرت مشارالیه مشهود نگردیده است ولی چون آقای علم اظهار داشته اند تا ثروتمندان دارای ثروت بیکران و قرا و قصبات متعدد هستند کاری از پیش نمیرود تا اندازه ای توجه در رود سته طرفدار دکتر بقاشی و حتی خلیل ملکی بسوی خود جلب نموده اند.

منبع کاملاً موثق - ارزش خیر - تأیید شده

دانش و وزارت - بزرگواران

بررسی عملکرد حزب مردم

گزارش اختراعات داخلی

موضوع: حزب مردم
 محل: پارلمان
 عطف بشماره:
 منبع خبر: الف
 تقویم: ۲

شماره ۳-۲-۳۱۲۲
 تاریخ حادثه:
 تاریخ وصول خبر: ۳۶/۸/۱۹
 تاریخ گزارش: ۳۶/۸/۲۰

نمایندگان وابسته به فراسیون حزب مردم در مجلس شورای ملی
 سید مصطفی بهبهانی سخنرانیهای شدید علیه دولت و آرایه تراتقان در مجلس -
 بنمایند و این اغلیه سخنرانیها از بین انامی جلوگیری نموده و نیز خود ه اند که
 حمله با آرایه تراتقان میکنند است. حمله بر ما - از روی فاع از طرفداران سابق جبهه ملی
 در این مذهب انانیند ان فراسیون حزب مردم - تصمیم دارند در پیش از جلسات آینده که
 پیر پیش می آید در جلسه ویژه شنبه آینده ۳۶/۸/۲۰ باشد مانوری در مجلس شورای ملی
 علیه دولت بدهند .

امناد در جلسه عمومی روز پنجشنبه گذشته حزب مردم آرای علم در مورد تغییر قوانین -
 قانون مذاکرات مجلس نمودند و به پیشنهادی که در مورد دست بردارده شد که قوانین
 مذاکره مجدد ممالک قرار دهند .

گیرندگان:

تعداد نسخه:

۵/۱۲۹-۳۶

۴۵/۱۱
 ۵۱

۳۶/۸/۲۰
 ۳۶/۸/۲۰

پرسی عملکرد حزب مردم

اسامی اشخاصی که سابقاً در حزب بوده و فعلاً در حزب مردم نام‌نویسی کرده و با خواهند کرد

ردیف	اسم شهرت	ملاحظات
۱	دکتر قاسم باختر	
۲	دکتر محمود فرحید	در نستیال بخارست شرکت کرده لیکن توده ای بودن وی تأیید نگردیده است
۳	حاجی سلیمان زاده	بطریقاً بنی همدی ای از کارگران گفته است که معجز شده و در حزبی که در
		در ضمن طبیبکارگر و از طرفداران اعلیحضرت همان شاهنشاهی است مگر نماید
۴	مهدی حاجی قاضی	توده ای با سابقه زندگی همشده کارگر کارخانه سیمان
۵	ناصر کامیاب	توده ای کارگر کارخانه سیمان
۶	محمد علی کریمی	توده ای کارگر کارخانه سیمان
۷	حسن محمدانی	توده ای بودن وی تأیید نشده است
۸	عبد العامری	توده ای
۹	قشقاشی	توده ای
۱۰	احمد روشن	دارای تمایلات چپ میباشد
۱۱	طی هنگری	دارای تمایلات چپ میباشد
۱۲	محمد قاسم فلاحمینی	دارای تمایلات چپ میباشد
۱۳	احمد باورده	دارای تمایلات چپ میباشد
۱۴	ابدر محزوزی	از قول اصغر فرخی اظهار نموده که تا میرود اطمینان داده که وی دوستان بصیرت نظر را بر وارد حزب مردم در شعبه شهرری خواهند شد ولی باطنه مردم گذشته خود را دنبال خواهند شد ولی حتی داخل کارخانه سیمان نمیتوانند جلسات جدید را تشکیل دهند زیرا اخت اضافه حقوق کارگران کارخانه مزبور گفته شد شش سال است پرداخت نشده با تکیه حزب مردم خواستار شده و چون چراگزارند

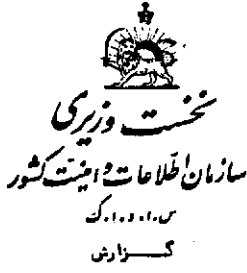
نوشت اطلاعاتیه شماره ۲-۳-۲۲۷۶-۱۶/۶/۳۷

خبراً " طبق تصمیم کارگردان حزب مردم حوزه های حزبی مرتباً در مقابل افراد تشکیل و چون کارگردانان تشکیلات داخلی حزب مذکور را عموماً افراد ی که سابقاً در حزب بوده اند تشکیل میدهند روی این اصل توانسته اند همباز قابل ملاحظه ای در وسیع کردن حزبی را برقرار سازند ولی در حزب ملیون با اینکه دو ماه است اقدام به تشکیل حوزه شده حتی برای نمونه یک حوزه حزبی هم تشکیل نگردیده است و انتهاییک عضو حزب ملیون هستند حتی هیئت موسسین آن از سیاستمروز حزب بی اطلاع میباشد . عدم تشکیلات صحیح داخلی در حزب ملیون سبب شده است غیر از کارمندان دولت و کارگران که بدستور مقامات مسئول خود انکت حزبی را برکردند سابقاً از قبیل اسنانف تهران و دانشجویان و افراد یکه دارای شغل ازاد بی باشند از سمان عضویت حزب را نپذیرند .

۱۹۶
 اسرار
 بر رویه های حزب مردم همیه و با این کار

۱۳۳۷ / ۸ / ۲۹

پژوهشی عملکرد حزب مردم



تاریخ ۳۸/۷/۴۵
 شماره
 شماره پرونده گیرنده
 شماره پرونده فرستنده

گیرنده
 فرستنده
 شماره صف
 پیوست

محرمانه

موضوع

محترماً با توجه با اطلاعیه پیوست و برابر گزارش دایره ۲ این بخش مجادای در حزب مردم باندی در مقابل افراد توده ای حزب مردم با همکاری آقایان دکتر دفتری و دکتر ستائور خانلری کوشا بار تشکیل داده و مشغول فعالیت میباشد هدف این باند این است که از اختلاف و شکاف بین افراد توده ای حزب مردم و افراد دیگر در حزب جلوگیری نمایند و این باند بدستور جناب آقای علم تشکیل شده و تاکنون نقش خود را خوب بازی نموده است بطوریکه تاکنون تعادل حزب را حفظه نموده است .

مجادای در حزب مردم عضو کمسیون کادر تبلیغاتی و عضو کمسیون کار و عضو شوراهای بحث یعنی کلیه شعب حزب که در تهران میباشد و ضمناً رئیس حوزه ه و مسلول کلیه کارمندان و کارگران راه آهن من عضو حزب است .

اخیراً مجادای کلیه کارگران کافه و ستورانه های راه آهن را وابسته بحزب نموده و قرار است در این مورد در راه آهن جشن بزرگی ترتیب داده رسماً آقای علم جشن مزبور را افتتاح نمایند مجادای عضو وزارت راه میباشد و در قسمت بازرسی راه آهن مشغول کار است ایشان سابقاً در حزب توده عضویت داشته و اینکه در مواد به عضو یکی از انجمن های محلی میباشد و در هفته یک بار در دانشگاه منزل آقای علم بطور خصوصی درباره فعالیتها ی خود و اوضاع حزب با ایشان صحبت میکند و کارهای انجام شده را بحضر میرساند مجادای با اینکه باندی در مقابل افراد توده ای حزب مردم تشکیل داده ولی با باند افراد توده ای بیشتر همکاری داشته و عقیده دارد که باند رسول پرویزی و دکتر باهری افراد توده ای حزب مردم دسته روشنفکر میباشند بیشتر بدرد و گرفتار بهای افراد حزب آشنائی دارند ولی باند آقای پرسفر جیشید اطمینان حاصل میکنم که افراد راست حزب هستند عدد صد انگهسی میباشد و این دسته خائن هستند نباید با آنها اجازه داد که قدرت پیدا نمایند . مجادای این روزها سخت در فعالیت است و با همکاری آقایان دکتر دفتری ، ستائور خانلری ، رضا هدایتی ، جاودیان ، حسین شریانی . این سه عضو حزب توده را داشته و از افراد سابقه دار هستند و برای انتخابات کنگره حزبی در روز ۲۶ خرداد در تهران در این طیف پخشنامه حزبی که بنام شهروستانیا گردیده بدستور داده شده که برای شرکت در کنگره حزب که از تاریخ ۲۸/۷/۲۶ تا تاریخ ۳۸/۷/۲۹ انتخابات نمایندگان حزب است و شورای

بازرسی عملکرد حزب مردم
 در روز ۲۶ خرداد در تهران در این طیف پخشنامه حزبی که بنام شهروستانیا گردیده بدستور داده شده که برای شرکت در کنگره حزب که از تاریخ ۲۸/۷/۲۶ تا تاریخ ۳۸/۷/۲۹ انتخابات نمایندگان حزب است و شورای

تاریخ ۳۸/۷/۲۹
 شماره
 شماره پرونده گیرنده
 شماره پرونده فرستنده

بازرسی عملکرد حزب مردم

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمان برنامه
 شماره: ۳۳۳۳۳۳۳۳ - ۳۳۳۳۳۳۳۳
 تاریخ: ۱۵/۱۰/۳۶

محل: تهران
 تاریخ: ۱۴/۱۰/۳۶

عطف بشماره: پیرو ۳۷۹۳
 تاریخ: ۱۵/۱۰/۳۶

منبع خبر: الف
 تقویم: ۱

پیرو گزارش شماره فوق در مورد دستور آرای ابتهاج مدبر عامل سازمان برنامه بانساری معاون خود جهت اخراج ارزانه‌نیکه دارای تمایلات چپي بوده و در حزب مردم فعالیت دارند چون آنان در ترخشا یا عضو هیئت نظارت سازمان برنامه‌نکه عضو حزب مردم نیز میباشند جریان دستور آرای ابتهاج را با اطلاع آرای علم رهبر حزب می‌رسانید ه لذا اگر گردانان حزب مردم با آقای ابتهاج مذاکره و در نتیجه از اعزام انسانی بکارخانجات و تهیه عمیرت افراد مورد بحث خود داری و - بجای آن ملی بخشنامه شماره ۲۵۲۶۶ - ۳۶/۱۰/۲ که رونوشت آن با منیحه شدیم می‌گردد بکلیه واحد ها و شرکت ها و کارخانجات تابعه سازمان دستوراتی داده شد هاست . بطور کلی رؤسای کارخانجات بملت آنکه انشاء حزب مردم مورد حمایت آرای علم رهبر حزب میباشد از - اجراء دستور صادره و جلوگیری از فعالیت کارگران در داخل کارخانه و اخراج آنها بپرهیزند . نظریه :

رئیس مأموریت
 تاریخ: ۱۵/۱۰/۳۶

گیرندگان :

تعداد نسخه :

۳۶-۵/۱۲۹

گزارش اختلاط داخلی

موضوع: مخالفت با علم رهبر حزب - مردم
 شماره ۳۰۲ - ۲۸۹
 محل: تهران
 تاریخ:
 عطف بشماره
 تاریخ وصول خبر: ۳۶/۸/۶
 منبع خبر: الف
 تاریخ گزارش: ۳۶/۸/۶
 تقویم: ۱

جغفر بهبهانی بدوستان خود گفت: من تعالیت آقای علم که می‌خواهد از طریق تشکیلات حزب مردم زمام امور کشور را بدست گیرد - برای آینده ایود وستان - زیان‌بخش می‌باشد و نباید گذاشت - وستان آقای علم بین مردم نفوذ و اعتباری بدست آورند .

و افزوده پدر آیت اله بهبهانی بدوستانات روحانی نیز با تعالیت آقای علم و حزب مردم ناساعدی نداید .

بغال امام هم بدوستان خود توبه کرده است و نباید گذاشت این جوان - برنوشت سیاسی شهر را بدست گیرد .

در حال حاضر بر طرفداران مقامات - شیخ و دوستان - بغال امام از جمله کسانی هستند که علیه آقای علم و تشکیلات - او پس طبقه روشنفکر تبلیغ می‌کنند و تبلیغات آنها تا درجه محسوس هم افتاد - بین سقهران جنبه حزب مردم بین ساخته و اندامات حزب مردم را پایمال برانجامت بنفع سیاست انگلستان قلمداد - نموده اند .

۵/۱۲۶ - ۳۶

تاریخ: ۳۰ / ۸ / ۳۶
 امضا: [Handwritten Signature]
 مهر: [Handwritten Stamp]

گهرندگان: ۳۶/۸/۶
 تعداد نسخه: ۱
 محل: [Handwritten Location]
 تاریخ: ۳۰ / ۸ / ۳۶

پژوهشی عملکرد حزب مردم

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب مردم
 محل: دولت
 عطف بشماره:
 منبع خبر: مامور ویژه
 تقویم: ب - ۲

شماره ۳ - ۱۹۱۳
 تاریخ حادثه:
 تاریخ وصول خبر: ۲۷/۵/۲۱
 تاریخ گزارش: ۲۷/۵/۲۱

در حال حاضر افراد و اعضای حزب مردم با امید زمامداری سران حزب و کسب مقام و موقعیت بهتر پیش از سایر عناصر مخرب علیه دولت تحریک و تبلیغ میکنند .
 دکتر اکرامی یکی از افراد حزب مردم کدر زمان دکتر مصدق از کارگردانان جبهه ملی بوده میگفت اکنون بهترین موقعیت برای عاجز نشان دادن دولت آقای دکتر اقبال در برابر حوادث سیاسی احتمالی کمین است در ایران بوجود آید بدست حزب مردم افتاده است .

د. د. حزب مردم
 با تشرف
 اردو ۱۳۰۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

نظریه:
 ۱۷۷
 اردو ۱۳۰۱

کسر
 ۱۹ خرداد ۱۳۰۱
 به اطلاع
 رسید
 ۵
 ۱۳۰۱

گیرندگان: الف - ۳
 تعداد نسخه:



جناب ابد الله علم دیرکل حزب مردم

از تبریکات دہ ہزار حساسات صیما نہ شہناہست روزہ ۱۵ بہمن

خوشندی و رضامندی خاطر حاصل گردید غایات و توجہات

مخصوصہ را با اعضای شورای مرکزی افراد حزب مردم ابلاغ نمایند

۲۰ بہمنہ ۱۳۳۶ ش

این دستخط شاہانہ در پاسخ عریضہ تلگرافی حزب
بمناسبت روز ۱۵ بہمن بافتخار دیرکل حزب
شرف صدور یافتہ است

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب مردم
 محل: تهران
 عطف بشماره:
 منبع خبر: ماورویزه
 تقویم: ۲ - ۳
 شماره: ۴۳۵ / بخش ۲۱۲
 تاریخ حادثه:
 تاریخ وصول خبر: ۲۳ / ۳ / ۴۳
 تاریخ گزارش: ۲۴ / ۳ / ۴۳
محرماد

پرفسور عدل در بیرون حزب مردم اظهار داشته علت واقعی استعفا من این بود که پس از نطق شاهنشاه در کنگره کشاورزان بهرامین عدم بهروزی نقش احزاب نظر معظم له را در باره ادامه فعالیتهای حزبی بدانم با این معنی که مخصوصاً استعفای ام و قصد اصلی من این بود که اگر علیحضرت علت استعفایم را برسد ند استعفایم را پس بگیرم ولی اگر برای ایشان بی تفاوت بود و بگرگرد فعالیت حزبی نکرد همچون اتفاقاً علیحضرت در این مورد از من توضیح خواستند و من استنباط کردم که ایشان مایل با ادامه فعالیت من در حزب مردم هستند استعفا خود را پس گرفتیم . محسن موثرا افزود که پرفسور عدل همچنین گفت که وی قلباً و باطناً مایل با ادامه کار در حزب مردم نیست زیرا او مانند آقای علم خیال نخست وزیری ندارد که حاجش بد آورد ستم داشته باشد و ادامه این کار جز اتلاف وقت برای او خاصیتی نخواهد داشت ولی منتظر امر صریح علیحضرت است که از این نارضا من دارند . پرفسور عدل همچنین از عدم پرداخت تعهدات مالی و حق عضویت از طرف اعضای حزب اظهار نارضا منی کرد و گفت اگر این وضع ادامه پیدا کند حتی قبل از انتخابات آینده با حزب را منحل خواهم کرد و با اشخاص برای همینه منظور کار ملاحظه جدی از رهبری حزب استعفا خواهم داد . ناگفته نماند که بنا به جهت نزدیکی انتخابات رفت و آمد به حزب مردم پیشتر شد و افراد حزب بمسائل حزبی توجه و علاقه بیشتری پیدا کرده اند ولی جزعه بسیار معدود بقیه حاضر نیستند تعهدی را که از لحاظ مالی در قبال حزب دارند انجام بدهند و حق عضویت خود را بپردازند و همچنین جهت پرداخت مال الاجاره کلوب حزب بتعمیق افتاده و موجر این ساختمان پرفسور عدل و صندس سعید هدایت را سخت تحت فشار قرار داده است . در حزب مردم این ستم سهواً بین نگذاشته احتیاط رفتنای حزب این قدر بین آمده است که صندس سعید هدایت قائم مقام در بیرون حزب بکار ادامه امور به حزب سیاسی نمیخورد و عدل های در خفا مشغول فعالیت هستند تا او را محزول و کس دیگری را بجایش انتخاب کنند . این عدل روی جانشینی قائم مقام فعلی حزب هنوز توافق نکرده اند و فعلا روی دهنده بیشتر از سایرین بحث است که اولی صندس سعید جعفرودی و دومی دکتر دفتری است . اعتقاد عمومی بر اینست که صندس سعید جعفرودی قائم مقام مناسب و بیگانه و مصلحی برای بیرون حزب خواهد بود ولی اشکال بر سر اینست که نخست وزیر فعلی با او موافق نیست و هم آن سیرود که انتخاب او با این سمت سبب جدائی بیشتر دولت و حزب بشود .

نظریه:

۲۸۱

۲۳ / ۳ / ۴۳
محرماد

۲۵
۳ / ۴

گیرندگان: سه نسخه در بخش ۲۱۲ - اداره سوم - اداره دوم -
 تعداد نسخه: ۵ نسخه .
 تاریخ: ۲۳ / ۳ / ۴۳

بررسی عملکرد حزب مردم

خیلی محرمان

طبقه بندی حفاظتی

گزارش خیر

درجه فوریت

صفحه یکم	از صفحه
نسخه شماره	از نسخه
۱ -	۳۲۱	
۲ -	۲۱۵۲	
۳ -	شماره گزارش	۲۱۵۲۰/۴۱۸۰۰
۴ -	تاریخ گزارش	۰۱/۰/۴
۵ -	پیوست	
۶ -	گیرندگان خیر	
۷ -	منبع	۰۰۸۲۰۲۷
۸ -	مشتا	جلسه مشترک
۹ -	تاریخ وقوع	۰/۳
۱۰ -	تاریخ رسیدن خیر به منبع	۰/۳
۱۱ -	تاریخ رسیدن خیر بر عملیات محل	۰/۴
۱۲ -	ملاحظات حفاظتی	

شورای عالی حزب مردم

موضوع

عطف

پیرو

شورای عالی حزب مردم در ساعت ۱۶۳۰ مورخه ۰۳/۰/۵۱ با حضور پرفسور دل، سهیل و رهرام و ستاد علامه وحیدی و هلاکورا مید و سایر اعضا شورای عالی تشکیل جلسه داد. در این جلسه طبقی کنی ضمن گزارش فعالیتها و اقدامات خود برای پیشرفت حزب مردم و تشکر از همکاری اعضا و حزب استعفا خود را از نظام دبیر کنی تسلیم شورای عالی نمود و طبع استعفا خود را ضعیف و بیماری اعلام کرد. آقایان مهندس والا و مهندس اسدی ضمن تمجید و تعریف از کارهای طبقی کنی گفتند: آقای دکتر کنی در جهت اطلاع حزب اقدامات موثری کرده و با صدای بلند اعلام کردند شورای عالی این استعفای راضی پذیرد و درخواست کردند ایشان در سمت خود باقی بماند. اسدی گفت شما فرموده بود به آن رها بجان مسافرت کنید. جواب مردم آن رها بجان راجحه خواهد داد و ما بایب مردم راجحه باید بدیم. دکتر کنی از ادب پاسخ به سئوالات مهندس والا و اسدی خود داری کرد پرفسور دل ضمن سخنرانی کوتاهی از تصمیم به استعفاى دبیرکل حزب اظهار این اطلاعی نمود و از کنی خواست که تا انتخاب دبیرکل جدید در سمت دبیرکنی باقی بماند و وظایف دبیرکنی را انجام دهد. در پایان جلسه چند نفر از هلاکورا مید خواستند که کنی را از استعفا منصرف نماید. ولی رامید اظهار داشت: موضوع کاملاً قطعی و غایب نمانده است و استمرار استعفاى ایشان عطف نخواهد بود. در غایت بنا بر سه تقاضای کنی اختیارات دبیرکل به پرفسور دل تمویض شد.

نظریه شنیه: طبع استعفاى کنی ۱- طبقی کنی از اینکه دهه ای از اعضا موثر حزب بدون اطلاع به ملاقات پرفسور دل رفته اند نزد دکتر مومنی که نمود و گفته است این کارها موجب تضعیف من در حزب

خیلی محرمان
طبقه بندی حفاظتی
۲۱۳۰۹۱۴

بررسی عملکرد حزب مردم

خیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی
گزارش خبر

درجه فوریت

.....	صفحه یکم	از	صفحه
.....	نسخه شماره	از	نسخه
.....	۱ -
.....	۲ -	از
.....	۳ -	شماره گزارش
.....	۴ -	تاریخ گزارش
.....	۵ -	پوست
.....	۶ -	گیرندگان خبر

حلقه
پیرد

موضوع

۲- ساعت ۲۱ مورخه ۱/۵/۲۰ طینتی کنی به مومنان گفته است که قبل از ساعت ۲۳۰۰ امروز با شرفیاب شوم سخن است در این شرفیاب به وی تکلیف شده است که استعفاء بدهد چون تاکنون از این شرفیاب هیچ گونه آثاری از استعفاء کنی مشاهده نشده و قصد مصافحت آذربایجان داشته است .

۳- ده ای از اعضاء حزب معتقدند که کنی در میزبانی های حزبی در اصل همان انتقادات شدیدی کرده و ممکن است استعفاء وی بهمین طت باشد .

۴- بعضی از دوستان کنی معتقدند که کنی با این استعفاء برای خود حفظ اعتبار کرده است . مردم بی خواهند بود که کنی اهل سازش نیست وادولت تباخی نمیکند . زیرا وی اعلام کرده بود که انتخابات آزاد نباشد . انتخابات را رسماً تحریم خواهد کرد (منظور انتخابات انجمن های شهر و شهرستان است) .

۵- ده ای دیگر میگویند هر وقت حزب مردم خواسته است جنبشی نموده و تحرکی پیدا کند و فعالیت سیاسی موثری بنماید از طرف مقامات سرکوب شده است و این استعفاء هم ضربه ای بود برای جلوگیری از تحریک و فعالیت حزب مردم .

نظریه چهارشنبه : گزارش خبرمورد تأیید است و مفاد نظریه شنبه که میگویند بر اظهارات اعضاء حزب و شایعات میاشد قابل بررسی است .

خیلی محرمانه



خیمی رمانه

طبقه بندی حفاظتی

سزایش خبر

بیت

- ۷- منبع ۵۲۸۲
- ۸- منشا حزب مردم
- ۹- تاریخ وقوع مستمر
- ۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع بهند و بهج
- ۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر مبر عملیات محل ۳۰/۸/۱
- ۱۲- ملاحظات حفاظتی

- کسب از ~~کسب~~
- باز از ~~باز~~
- ۲۴۱
- ۲۱-۵۲۰
- آره گزارش ۲۱-۵۲۰ / ۴۲۳۹۲
- بیت گزارش ۵۲/۸/۳۰
- بیت
- برندگان خبر

عطف

پیرد

حزب مردم

حزب د رسکوت مطلق پسر میرد . بعضی ها میگویند خیف نیست کما اینکه خرج حزب و اجاره محل میدهند . کسی د آن رفت و آمد نمیکنند . بعضی ها میگویند نمیتوان د ر حزب راست چون یک نان دانی برای یک عد ماست و بعضی ها میگویند که حزب برای یک عد و خانه شخصی شد و کارهای خصوصی خودشان را انجام میدهند . بعضی ها با اصطلاح گمراه د انتظار تشکیل کنگره حزب هستند که د بهر گله انتخاب شود تا حزب بصورت اولیه خود برگردد د ولی تاکنون هیچ خبری از تشکیل کنگره د رکا نیست . د هر صورت تعداد مراجعین روزانه حزب مردم د آبانماه . الی ۵ نفر بیشتر نیست و آنها هم کسانی هستند که از بود جه حزب حقیقی د رفاهت مینمایند . ه

به چهارشنبه عدم فعالیت . ر حزب مردم مورد تأیید است . ه

دستگاه شماره ۱ روز ۲۲ خرداد
 به پسر ۱۲۱
 کورده

پرویشگاه علوم انسانی
 قبل و مرط صنف ۱۴۹
 ۲۱۲۶۱۹

خیمی رمانه
 بایگتانی شود

طبقه بندی حفاظتی

